

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

به آنکه روز اول سال و ماه ذریعجا بحساب منجمان سران است و از روی زویت اگر یک روز کم و بیش شود اعتبار ندارد و همچنین اگر خواهد عدد ایام سالهای هجری تا تاریخ از ماه معین بدانند که چند است پس عدد سالهای تا ماه هجری را در سه صد و پنجاه و چهار ضرب کنند که عدد ایام سال ناقصه هجری است و بعد از آن عدد سالهای تا ماه را برین قسمت نموده خارج را در بازده ضرب سازند که عدد ایام کبیسه است و حاصلین را جمع سازند و آنچه از روی قسمت باقی مانده باشد در آن ملاحظه کنند که چند سال کبیسه است پس عدد کبا پس بر آن مجموع بینزاید که عدد ایام سالهای تا ماه هجری حاصل شود و بعد از آن عدد ماه های که از محرم تا تاریخ معین مطلوبه بوده باشد بگیرد بترتیبیکه نزد منجمان است اعی محرم سی و دو صفر بیست و نه روزه کند و جمع سازند که عدد ایام هجری تا تاریخ معین حاصل شود و دیدن است که اعداد حاصله را هفت هفت طرح کنند و باقی را از روز پنجشنبه بشمارند اگر مطابق روز تاریخ مطلوبه باشد فهو المراد والا اگر یک روز یا دو روز کم و بیش واقع شود کم و بیش نمایند و نیز تاریخ مطلوبه باید که از روی مداخل سال و ماه درست باشد والا صحیح نموده عمل نمایند که آن تعاونها نسبت تعاونت روات هلال است باندن است که سه صلی همان سال هجریست که محمد اکبر بادشاه در عهد خود برای درستی حساب رفتار ابتدای ماه آسن هندی مقرر نموده چرا که در هندی حساب محمولات برصواب است و بدون آن مصططامی عدد پس از آن جهت یک سال فصلی موافق یک سال هندی بود و چون در سالهای هندی بعد از سال دکنه کبیسه می شود که آنرا در حدی حسابند چه بیان آن بیاید انشاء الله تعالی لهذا در میان سال هجری و فصلی تعاونت شد و این تعاونت بحسب زیادت ماه های کبیسه زیاده می شود و عدد سال هجری زیاده عدد سال فصلی کم می گردد و سال هندی شش صد و چهل و نه سال و پنج ماه از سال فصلی بیشتر است پس هرگاه بر سال فصلی قدر تعامل مدکور بینزاید سال هندی حاصل شود و اگر از سال هندی نگاهد سال فصلی حاصل شود *

بیان سوم در تاریخ عیسوی و رومی بدانکه صد و تاریخ رومی روز و شب بعد از رومات

بگذرد و تقویم بد و ازده سال شمسی از فرقه تسربن الاول است و عدد سال عیسوی نیز

وسيله ۳۱ و میزان ۳۰ مغرب ۳۰ قوس ۲۹ حدی ۲۹ دلو ۳۰ حوت ۳۰ و این تقریبی است و از روی تحویل گاهی یک روز کم و بیش می شود و در دهانه گانه از روی تحویل تحقیقی که سکران گویند تاریخ ماه می نویسند لیکن غرض ماه ما گنجه که بحویل حدی است همیشه بتاریخ یازدهم جنوری می شود و ایام سالهای شمسی حقیقی گاهی سه صد و شصت و پنج و گاهی سه صد و شصت و شش می شود و باید دانست که حساب تحویل شمس نزد محاسن هند بدو طریق می شود یکی از روی ریج قدیم که ریج نکرماجیت است و آنرا سکران گویند و دوم از ریج محمد شاهی که راجه حی سگه در عهد محمد شاه بادشاه تیار بود و آنرا این خواهد و باید دانست که در دهانه گانه سال از ماه بیساکه شمسی شروع می شود و آنرا بنگله گویند و آن بعده سال فصلی است و تفاوت همین است که سال فنی از ابتدای ماه اسن و ابتدای سال دگانه از ماه بیساکه شمسی می شود و همجنس اهل اوقد پسه از ابتدای چیت متورک کرده اند و همین سال فصلی را سال ولایتی می نامند *

سال هشتم در تحویل یک تاریخ بتاریخ دیگر اندن دانست اگر سال و تاریخ یکی از سالهای هجری حواه فارسی حواه رومی حواه عیسوی حواه هندی معلوم باشد و بخواهد که سال و تاریخ دیگر را بدانند طریقی این است که اول سال بتاریخ معلوم را که بحویل است روز سارند و سال و تاریخ معلوم را که بحویل الله است به صد که صد آن بیش از صد و تاریخ بحویل است یا بعد آن پس اگر مبداء بیش از صد بحویل باشد ایام صابین التاریخین را از جدول که در ذیل مرقوم است در یافته در ایام سال و تاریخ بحویل در آورند و اگر صد بحویل الیه بعد از صد بحویل است ایام صابین التاریخین از ایام بحویل بکامد و مجموع حواه باقی را سالهای بحویل الیه سارند و طریقی این است که اگر بحویل الیه سال هجری است روزها را بر سه صد و سیاه و چهار قسمت کند و خارج قسمت را بوسی قسمت ساخته در نازده صرب کند و آنچه از روی قسمت دوم باقی ماند اعداد ایام کبابس آن بطوریکه در میان دوم صد کور گردیده حاصل سازند و در حاصل صرب بیهزاید که مجموع اعداد ایام کبابس است پس آنرا از ایام باقی قسمت اول ساطع نموده باقی را ماه سازند بطوریکه در میان دوم صد کور سد اعی محرم سی روز و صفر بیست و نه روز و هکذا تاریخ معین حاصل نماید پس خارج قسمت اول

خزانه‌العلم . باب ۱۰ مطلب ۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
اسفند	اردیبهشت	خرداد	مرداد	دیواری	اذر	آبان	خور	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر
۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴
اسفند	اردیبهشت	خرداد	مرداد	دیواری	اذر	آبان	خور	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر

دهشت هشتویس و اگر نخواهد که مجموع ایام سالهای فارسی تا تاریخ معین بدانند پس عدد سالها را در سه صد و شصت و پنج ضرب کرده عدد ایام ماه‌ها تا تاریخ معین بر آن بیفزاید که مجموع عدد ایام تا تاریخ مطلوب باشد و نیز از آن هفت هفت طرح کرده امتحان سازند و باقی را از روز سه شنبه بشمارند *

بیان نسیم در تاریخ هندی که آنرا سبت گویند و ابتدای آن از وقت جلوس راجه نکرما حین روزه شبیه است و این سال شمسی اصطلاحی و ماه‌های این قمری اند از ابتدای یک بدر تا در دیگر اعتبار می‌کند و آنرا پورن ماسی گویند و نیز از یک محاق تا محاق دیگر گیرند و آنرا اماوس گویند و هر ماه را ماسی حصه کند و هر حصه را نهمه گویند و هرگاه هر ماه را سی یوم اعتبار کنند ماه قمری اصطلاحی شود و در تقویم هندی مدت سیر قمر در هر حصه را ثبت سازند و مجموع سمرسی حصه را شهر اعتبار کنند پس این ماه‌های قمری حقیقی باشد و با برای مطابقت فصول بعدسی شهر و گاهی بعدسی و یک شهر یکماه کبیسه می‌افزایند و اهدا سال ایشان شمسی اصطلاحی می‌شود و نیز باید دانست که اهل هند هر ماه را دو قسم کند یکی از آخر محاق تا در و آنرا شوکل بنامه گویند و شوکل یعنی روشن است و نکهه یعنی حصه و نیز آنرا سودی گویند و دیگر آنرا حرد تا محاق و آنرا کرشن بنامه خوانند و کرشن یعنی سیاه است و نیز بدی می‌نامند و از ابتدای سبت از روز اول شوکل نکهه ماه مانگهه است لیکن در تقویم و نزد اسل حرف بسبب قریب نوروز از چیت سودی می‌گیرند و اگر نخواهد که اتمام سالهای سبت را تا تاریخ معین بدانند پس عدد سالهای ماصید را در سه صد و شصت ضرب کرده بر حاصل ضرب عدد ایام ماه‌ها از ابتدای مانگهه سودی تا تاریخ مطلوبه بیفزایند

جدول فصل تاریخین

ایام بارقام السنه	ایام بعبارت	ایام بارقام هندیه	نام فصل تاریخ
انده لم صد	سه لك و چهل هزار و هفت صد	۳۴۰۷۰۰	فصل رومی علی هجری
اچ م	هولك و بیست و هفت هزار و بیست و هفت	۲۲۷-۲۷	فصل عیسوی علی هجری
اچ م	دو لك و چهل و هفت هزار و بیست و هفت و پنجاه و یک	۲۴۷۸۵۱	فصل سنیت علی هجری
لا لدم	دو لك و سیصد و هزار و شش صد و هفتاد و هفت	۱۱۳۶۷۳	فصل رومی علی عیسوی
ه مری	بیست و هزار و بیست صد و بیست و چهار	۲-۸۲۴	فصل سنیت علی عیسوی
انده لم صد	سه لك و چهل و چهار هزار و سیصد و بیست و چهار	۳۴۴۳۲۴	فصل رومی علی فارسی
اچ لده	سه هزار و شش صد و بیست و چهار	۳۶۲۴	فصل هجری علی فارسی
۱۰۰۱	دو لك و سی هزار و شش صد و پنجاه و یک	۲۳۰۶۵۱	فصل عیسوی علی فارسی
ا ط دانه	دو لك و پنجاه و یک هزار و چهار صد و هفتاد و بیست	۲۵۱۳۷۵	فصل سنیت علی فارسی
ا مراط	دو و دو هزار و بیست صد و چهل و نه	۹۲۸۴۹	فصل رومی علی سنیت

سال امروز که تاریخ هشتم ماه ربیع الثانی سنه ۱۲۲۹ هجری روز ششمین ماه است
 و می خواهم که تاریخ رومی بدانم پس عدد سالهای ماضیه را که ۱۲۲۸ بود در ۳۵۴ ضرب
 نمودم حاصل ضرب ۳۳۷۱۴ شد و بار ۱۲۲۸ را در سی قسمت نمودم خارج چهل شد
 آنرا در باره ضرب نمودم حاصل ۴۴۶ گردید و باقی ۲۸ ماند عدد اقام کیسه ایران
 حاصل نمودم یعنی چون در آن سال کیسه دوم و پنجم و هفتم و نهم و سیزدهم و نوزدهم و بیست و یکم
 و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و هفتم بود پس ده عدد اقام کیسه شد و عدد اقام
 ماهها تا تاریخ گروتم محرم ۳۰ بوم و صفر ۲۹ بوم و ربیع الاول ۳۰ بوم و ربیع الثانی ۸ بوم

شماره	شروطی	اصولی	شماره	مقدماتی	شوقی
۱	شرطی	اصولی	۱۵	مقدماتی	شوقی
۲	شرطی	بهری	۱۶	ریاضی	بیساکه
۳	نویس	کرتک	۱۷	تکلیف	اندازه
۴	شیران	روهنی	۱۸	فلسف	حیثیات
۵	هنگامه	مرکبها	۱۹	شواهد	مصل
۶	هنگامه	اندرا	۲۰	تعالیم	پیرانگاه
۷	دراف	پیرنصو	۲۱	بلده	اوتراکها
۸	نثره	پکه	۲۲	سعدانج	انجوت
۹	طرفه	انسانکها	۲۳	سعدانج	میرنا
۱۰	حده	مکها	۲۴	سعدانج	دهکها
۱۱	زیره	پوریاهاگنی	۲۵	احده	سنتها
۱۲	صرفه	اوتراکهاگنی	۲۶	مقدم	پوریاهاگنی
۱۳	عوا	هستا	۲۷	موجر	اوتراکهاگنی
۱۴	سناک	چترا	۲۸	رشاء	زویا

و نیز نژادها را هم ماه‌های شمسی حقیقی است که از نحویل شمسی میگیرند و آنرا سکران
گویند و نام ماه‌های شمسی در تقویم نام مروج می نویسند و در فاقه نگاله همین نام ماه
های قمری نوشته میشود و اندای بیساکه از نحویل حمل می گویند و ابام ماه‌های شمسی
از اندای حمل بدی طریق است * لا و لال و لا و لا شش است * ال کت و کت ال
شهر کونه است * اصی حمل ۳۱ و ثور ۳۱ و جوزا ۳۲ و سرطان ۳۱) اسد ۳۱

تفاضل عیسوی را که ۲۷-۲۲۷) است بر ایام هجری لغایت هشتم ربیع الثانی که ۳۳۵۲۶۱ بود افزودم مجموع ۶۶۲۲۸۸ شد و آن ایام سال عیسوی است پس آنرا در سه صد و شصت و پنج قسمت نمودم خارج ۱۸۱۳ شد و ۵۴۳ باقیماند و ربع خارج را که ۴۵۳ بود از باقی ساقط نمودم ۹۰ باقیماند و آنرا از ابتدای حصری گرفتیم بدین طریقی جنوری ۳۱ فروری ۲۸ مارچ ۳۱ و مجموع هم بود بوم شد پس دانستم که تاریخ هشتم ربیع الثانی سه ۱۲۲۹ هجری ۳۱ مارچ سه ۱۸۱۴ عیسوی است و اگر حواهم که تاریخ فارسی بدانم پس فصل هجری های الفارسی را که ۳۶۲۴ بود از ایام هجری لغایت هشتم ربیع الثانی ساقط نمودم باقی ۳۳۱۶۳۷ ماند و آنرا در سه صد و شصت و پنج قسمت نمودم خارج ۱۱۸۲ گردید و دو صد و هفت باقیماند آنرا ماه کردم پس معلوم شد که نسبت و هفتم مهر سنه ۱۱۸۳ یزد حردی تاریخ هشتم سهر ربیع الثانی سه ۱۲۲۹ هجری است و اگر تاریخ سپت مطلوب باشد تفاضل سست را که ۲۳۷۸۵۱ بود بر ۳۳۵۲۶۱ که ایام سال هجری است افزودم ۶۸۴۱۱۲ شد و آن مجموع ایام سپت است پس آنرا در ۱۲۳۶۰۵۶۸ ضرب نمودم و بر حاصل ضرب که ۸۴۴۳۶۵۲۳۲۷۶۱۶ شد ۲۸۲۹۱۶۸۰۰ زیاده کردم و مجموع را که ۸۴۴۳۹۳۵۲۴۴۱۶ گردید بر ۷۷۷۶۰۰۰۰۰ قسمت نمودم خارج صحیح ۱۰۸۵۸ شد آنرا بر مجموع ایام سپت افزودم و مجموع را که ۶۳۹۷۰ گردید محفوظ دانسته در ۷۷۲۹۱۲ ضرب نمودم و بر حاصل ضرب که ۵۳۶۳۷۷۴۰۶۴۰ گردید ۵۵۵۲۶۰۴۰۰ افزودم و ۱۰۴۰۵۳۶۹۳۳۰۰۰ را بر ۷۷۷۶۰۰۰۰۰ قسمت کردم صحیح خارج ۶۹۰ گردید و آن ماه‌های کیسه هندی است که آنرا الوندگرم بدس آنرا در ۳۰ ضرب نمودم حاصل را که ۲۰۷۰۰ بود از محفوظ اثنی ۶۹۲۹۷۰ ساقط نمودم باقی ۶۷۳۲۷۰ ماند آنرا در سه صد و شصت و پنج قسمت نمودم خارج ۱۸۷۰ گردید و آن سالهای نامه سپت است و باقی هفتاد ماند و آنرا از ماکه سودی حساب کردم بدین صورت ماکه سودی ۱۵ بهاگن ۳۰ چیت بدی ۱۵ چیت سودی ۱۰ پس معلوم شد که تاریخ هشتم ربیع الثانی سنه ۱۲۲۹ هجری دهم چیت سودی که فی الحقیقت تاریخ بیست و نهم ماه چیت سه ۱۸۷۱ سپت است و اگر سال فصلی دانستن مطلوب باشد چون ماه این همین ماه های هندی اند لهدا شنید و چهل و نه سال

مقدار سالهای ماضیه است و آنچه باقی ماند آنرا ماه و روز سازند بطریقیکه در بیان سوم
 مذکور شد اعنی از ابتدای فروردی سی سی روز برای هر ماه بگیرند و برای ماه انان
 سی و بیج روز و آنچه باقی ماند تاریخ ماه باشد و اگر محول الیه سال رومی و عیسوی بود
 عدد ایام را بر سه صد و شصت و پنج قسمت نموده بر خارج قسمت واحد افزوده راجح صحیح
 آنرا از ایام باقی بقصان کند که خارج قسمت عدد سالهاست و باقی ایام ماه های سال
 موجود خواهند بود پس آنرا از روی ایام هر ماه که در جدول صدر ج است ماه و روز سازند
 و اگر محول الیه سال هندی باشد پس عدد ایام را در یک کرور و بیست و سه لک و شصت
 هزار و نصد و شصت و هشت که بدینصورت ۱۲۳۶۰۵۶۸ و عدد (تربصطالح حاصسه
 است صرب نموده بر حاصل صرب بیست و هشت کرور و بیست و سه لک و شانزده هزار
 و هشت صد که بدینصورت ۲۸۲۹۱۶۸۰۰ و عدد الاصل حاصسه است بجز ایند
 و مجموع را بر هفتاد و هفت کرور و هفتاد و شش لک که بدینصورت ۷۷۷۶۰۰۰۰۰ و مخرج
 حاصسه است قسمت کنند و خارج را بر عدد ایام افزوده محفوظ دارند و از محفوظ را در هفت
 لک و هفتاد و دو هزار و نه صد و نوازد که بدینصورت ۷۷۲۹۱۴ و عدد حاصل صرب
 حاصسه است صرب سازند و بر حاصل صرب بیست و پنج کرور و سی و دو لک و شصت هزار
 و چهار صد که بدینصورت ۵۵۵۲۶۰۴۰۰ و عدد صرب حاصل حاصسه است بجز ایند
 و مجموع را بر مخرج حاصسه که بالا مذکور شد قسمت سازند که صحیح خارج قسمت عدد
 ماه های کیسه است پس آنرا از روی صرب ساخته از محفوظ بقصان سازند و باقی را بر سه صد و
 شصت قسمت کنند که خارج قسمت سالهای حاصسه است و ایام باقی را ماه سازند
 بحساب فی ماه سی یوم و از ابتدای ماگه سونی بسازند که تاریخ مطلوبه حاصل شود

شاه جهان بادشاه بیست و دوم حمادی الاولی سنه ۱۰۳۶ هجری در لاهور جلوس نمود
 خلد مسکان ابوالمظفر محی الدین اورنگ زیب عالمگیر در شاه جهان آباد جلوس نمود
 ۲۴ رمضان سنه ۱۰۶۹ هجری خلد مرسل قطب الدین محمد بهادر شاه در نیشا پور جلوس
 نمود ۱۷ ذی حجه سنه ۱۱۱۸ هجری معزالدین کولهار از امپهور ابوالفتح محمد معزالدین
 جهاندار شاه جلوس نمود ۲۰ صفر سنه ۱۱۲۴ هجری فرخ سیر بادشاه سرعظیم الشان در
 اکبر آباد جلوس نمود بعد شکست و کشته شدن معزالدین ۱۳ ذی حجه سنه ۱۱۲۳ هجری
 محمد رفیع الدرجات بسر رفیع القدر بعد قید فرخ سیر در شاه جهان آباد جلوس نمود ۹ ربیع
 الثانی سنه ۱۱۳۱ هجری و در همان عرصه فوت کرد و رفیع الدوله برادرش بر تخت نشست
 او نیز در همان ایام فوت نمود فردوس آرامگاه محمد شاه دادشاه در اکبر آباد از دهلی آمده
 جلوس فرمود و تاریخ جلوس خود از ذی حجه سنه ۱۱۳۱ هجری
 هجری احمد شاه بادشاه سر محمد شاه در دهلی جلوس نمود ذی حجه سنه ۱۱۶۱ هجری
 هجری وزیر الدین عالمگیر ثانی بسر معزالدین بعد قید احمد شاه در دهلی جلوس نمود در
 شعبان سنه ۱۱۶۷ هجری شاه جهان ثانی در دهلی جلوس نمود بعد قتل عالمگیر ثانی ۸
 ربیع الدانی سنه ۱۱۷۳ هجری شاه عالم بادشاه در اله آباد جلوس نمود ۱۱ حمادی الثانی
 سنه ۱۱۷۳ هجری اکثر شاه نادر شاه جهان آباد بعد فوت عالم شاه نادر شاه جلوس کرد
 تا حال موجود است ۷ رمضان سنه ۱۲۲۱ هجری *

مطاب سوم در مصطلحات کاغذات و غیره من سابق

بدا بککه کاغذات متعدد یان بود و قسم یکی بیرج نساء مو حده دوم
 بیرج نساء فرشت سرج کاغدی را گویند که در آن جمع اعداد را که میزان گویند در وسط
 مد نویسند و آنرا گوشواره حواسد و تفصیل آنرا تحت آن مدات تفصیلی کشیده نگارند و مد
 بمعنی خط طولی است و کاغذ فائز که بر افراد نوشته میشود همه بیرج می باشد و شاذاً بیرج
 هم مد الصرور است می نویسند و بیرج در اصل ناز است بمعنی ظاهر و در اصطلاح اهل
 نفاذ وسط تحت مد را گویند و متصدیان آنرا تحریف نموده بیرج اطلاق میکنند و بیرج
 کاغدی را گویند که برای جمع نمودن اعداد هر قسم احساس متعدده که بدعادت واقع شوند

و مجموع ۹۷ بوم است بنس این همه را بر حاصل ضرب افزودم بدینصورت

۴۳۴۷۱۲ حاصل ضرب اول

۴۴۰ حاصل ضرب ثانی که ایام کیسه سالهای تازه اند

۱۰ عدد ایام کیسه سالهای گذشته

۹۷ عدد ایام ماههای گذشته

۴۳۵۲۵۹ و این مجموع ایام سالهای هجری

تا تاریخ هشتم ربیع الثانی سنه ۱۲۲۹ هجری شد

و چون از روی مدخل ماه امتحان کردم اعیان اول مدخل سال سنه ۱۲۲۹ در ناسم بدین طریق که عدد سالهای ۱۲۲۹ را از دو صد و ده طرح کردم باقی نکند و همان دو ده ماند و آنرا از روی جدول مدخل سال دریافتم که عرق محرم بروز ششمین بود پس در جدول مدخل ماه نظر کردم و عرق ربیع الثانی بروز سه ششم برآمد و در صورت یاد که هشتم ربیع الثانی بروز سه ششم ماند و نیز هرگاه از مجموع ایام که تا تاریخ هشتم است هفت هفت طرح کردم شش باقی ماند و آنرا از روز ششمین تا روز نهمین سی آمد و از روی روت حساب شده است پس دانستم که تفاوت دو روز نسبت اختلاف رویت است لهذا در روز دیگر مجموع ایام افروشم ۴۳۵۲۶۱ مجموع ایام هجری شد و بر آن عدد تفاضل ایام روی را که ۴۴۰۷۰۰ بود افزودم مجموع ۷۷۵۹۶۱ ایام سالهای رومی لغایت تاریخ مطلوبه را بدست آوردم و صد و بیست و پنج قسمت نمودم خارج ۲۱۲۴ گردید ۷۰۱ باقی ماند هر چند خارج آخر بیسی می تواند بر آید لکن چون عدد ربیع قسمت هم از باقی باقی نمودن است لهذا عدد اخیر را چهار بخشیم و بعد از آن ربیع خارج قسمت را که ۱۷۳ است از باقی مذکور بهایان نمودم ۱۷۰ باقی ماند و آن عدد ایام سال سنه ۱۲۲۵ رومی است آنرا در ماه دایمی رومی انداء تشریح الاول قروح نمودم بدین طریق تشریح الاول ۳۱ بوم تشریح الآخر ۳۰ بوم کل اینها ۶۱ بوم شایط ۲۸ و مجموع را که ۱۵۱ بود از ۱۷۰ که باقی بود نقصان نمودم باقی ۱۹ ماند و آن ایام ماه آوردم پس دانستم که تاریخ هشتم ربیع الثانی سنه ۱۲۲۹ هجری روز ششمین بود و در ماه آوردم پس دانستم که تاریخ ششمین اگر نخواهیم که تاریخ بیسی بود پس

اول نوشته شده می نویسند و آنرا طغرای پیشانی خوانند و تحت آن مدات سابقه که ارقام آن فرد منطبق آن مدات باشند می نگارند و نباید دانست که مدات سابقه قایم مد اگر باشد تحت پیشانی نویسد و اگر زیاد بود ناهمت مد در گوشه اتصال نگارند و آنرا طغرای ثانی خوانند و اگر زیاد از آن باشند در گوشه صحیفه نویسد و آنرا طغرای ثالث گویند و ثانی مدات را تحت طغرای پیشانی نگارند و نیز معمول است که مدثانی اصغر از اول و مدثالث اصغر از ثانی می کشند و هر کجا در گوشه اتصال اعداد عدد افراد را بر قوم مدته نگارند و آنرا ورق داغ گویند و مرد فرصل دیوان و غیره در گوشه صحیفه عبارت ملل اول و دوم و سوم می نویسند و جمع را هم کرده و هر چه را منداک و وجهه و ثانی را ثانی و تنه گویند و کاغذی را که در آن آمدنی روزمره را احساس را نویسد آنرا سیاه گویند که بعضی بود است و مدسیاه بد بصورت کشند سیاه و سیاه تاریخ وارمی باشد و در آن تعیین بوم هم می کنند و لهذا مدات ایام اسوع می کشند بد بصورت *

یوم الاحد یوم الاثنين یوم الثلاثاء یوم الاربعاء یوم الخميس یوم الجمعة یوم السبت
یکشنبه دوشنبه سهشنبه چهارشنبه پنجشنبه جمعه شنبه

و کاغذی را که در آن آمدنی و هر چه روزمره مدرج باشد آنرا روزنامه و چتهه گویند و باید دانست بعضی مسوده ریز یا مچدر سیاه خوانند و کاغذی که در آن از روی سیاه خواه روزنامه و تاریخ وار آمدنی خواه هر چه در یک احساس را علیحده علیحده بطور تیرج در یک یک فرد نگارند که بعد یکماه حواء یک سال تعداد هر یک را جدا جدا معلوم نمایند کرد و آنرا اوارحه و کهنوبی گویند و در آن اول مد آسامی کشند بد بصورت لاس و تحت آن مد تاریخ نویسد بد بصورت لاس و در آن مد آسامی مد جنس کشند صل مد رویه بد بصورت روس و مد اشرقی اسر و غیر ذلک و بعضی یک مد افزون کشند بد بصورت (اسرور) و در تحت آن جمیع اعداد لعانت هر تاریخ مد در ج سار را تا حاجت میزان بشود و اوارحه بمعی جمع اشیا برا گنده و بعضی گویند که بعضی حساب است و کاغذی را که مشتمل بر حقیقت احساس بر سمیل احوال باشد آنرا جدول خوانند و کاغذی را که مشتمل بر آمدنی و هر چه یکماه یا زیاد از آن باشد آنرا جمع و هر چه گویند و مد آن بد بصورت است

و بیخ ماه که قدر تفصیل است از سالهای نسبت کم کردم تا فی ۱۲۲۱ ماند و همچنین است حال سه سگله و ولایتی لیکن اگر نخواهم که تاریخ سگله بدالم از ابتدای یازدهم صوری خزه ما گه که زام الجدی است حدان کردم بیست و یکم ماه چیت سه ۱۲۲۰ سگله مطابق هشتم ربیع الثانی سنه ۱۲۲۹ هجری گردید و همچنین ۲۵ چیت سه ۱۲۲۰ ولایتی شد و همچنین اگر سال و تاریخ رومی حواء عبسوی حواء فارسی حواء سهبت معلوم باشد عمل نموده تاریخ و سال مطلوبه حاصل سازند لیکن یاد داشت که درین صورت استخراج تاریخ موی و سهبت تحتیغی متعدد است گاهی تفاوت یک دور و خواهد افتاد چرا که در تاریخ عربی روت شرط است و تاریخ سهبت متعلق از تقویم است و انضاط تحقیقا ممکن نیست *

بیان هفتم در تاریخ حلومی نادر شاهان هند باید دانست که سلاطین از روز حلوس خود سال حلوس در مدت ثابت میسازند و ماه های ایشان همین ماه های عربی قمری اند لهذا سالهای حلومی نیز قمری اند و تفصیل هر یکی از ایندای محمد نادر شاه که از سلسله گورکانیه اندازین بیان معلوم شود انشاء الله تعالی فردوس مکانی ظهیر الدین محمد نادر شاه که در دهلی حلوس نموده ۱۳ رجب سنه ۹۳۲ هجری روز جمعه حنت اشیانی نصیر الدین محمد همايون نادر شاه بعد وفات نادر شاه در اگر حلوس نموده سنه ۹۳۷ هجری و روز معلوم نیست همايون نادر شاه از شیر شاه شکست خورده در سنه ۹۴۰ و طرف ولایت روت در سنه ۹۴۶ هجری و شیر شاه بعد همايون نادر شاه خطبه نام خود مقرر ساخت سنه ۹۴۰ هجری ساهم شاه بعد نبوت شیر شاه حلوس نمود ۱۷ ربیع الاول سنه ۹۵۲ محمد عادل ماه بعد ساهم شاه که مشهور بعدلی شاه بود حلوس نمود سنه ۹۶۰ هجری تاریخ و روز معلوم نیست حنت اصانی همايون نادر شاه مرتبه دوم در دهلی امده حلوس نمود در ماه رمضان سنه ۹۶۲ هجری عرس اسیانی حلال الدین محمد اکبر نادر شاه بعد نبوت همايون نادر شاه در کلا نور روز جمعه حلوس نمود ربیع الاول سنه ۹۶۳ هجری حنت مکانی نور الدین محمد جهانگیر نادر شاه در اکرا باد در روز پنجشنبه چهاردهم ماه جمادی المانی حلوس نموده سنه ۱۰۱۴ هجری فردوس اشیانی شهاب الدین محمد

و دنگ و چینه و سیاه گوش و غیره حیوانات برای آه و ونیل کاه و غیره رخت برای میل
 و اسپ و شتر و غیره فراتیس برای کاه و سعید و اشلان و طومار و غیره حقایق برای نباتات
 بویامبل دارچینی و الائچی و دیگر مصالح کرم ادویهات برای نادان و هلیله و غیره
 ادویه معدده آدهان برای روغن و چرب و غیره ترشیات برای اجار و غیره عدویهات برای
 نبات و قند و عسل و حلوا و غیره اقسام شیرینی نباتات برای اقسام قند برای اقسام
 مربا اقسام برای آرد و صیده و برنج و دال و نسک و غیره لحمات برای گوشت و ماهی
 ترکیاری برای باد نجان و بودینه و غیره انبار برای نارنجی و گیاه و غیره ارفیل میوه تر
 حفاف برای کشش و بادام و چار معز و غیره از قبیل میوه خشک نباتات برای تنبول
 و ساری و هر چه ازین قبیل باشد اعراف برای عرق احواین و عرق دارچینی و غیره
 مکبات برای هر چه بکه کیف دار باشد آحمه برای هر حایر برنده ألوان برای لاجورد
 و شگرف و سندور و غیره علالت برای گندم و حور و سالی و غیره مزامیر برای قانون و سرمدل
 و زرات و غیره چرمیده برای پاجار و اندیم و غیره فرار دای برای بانوش و موزة و بلین
 و پای تابه و غیره ورن برای صناد بر اوزان حواه از آهن خواه از سگ باشد *

مطلب چهارم در معیذات اشیا

بدانند اهل دفا تر هر شی را باعطی خاص مینویسند صل رو بیه و اشرفی و بعضی آلات
 به لبوسات را عدد می نویسند و انسان را نهرو و همچون بعضی شی را قطع و غیره و ما هر یکی را
 بیان می کند عدد برای رو بیه و اشرفی و خود و قصه و شمشیر و دستگ کاه و صندوق و غیره
 نمکه در مرادی که عبارت از دو ملوس باشد و نیز رو بیه را نمکه سفید و اشرفی را نمکه سرخ
 گویند من در موازات و تفصیل آن گذشت قدر مکيلات اعنی بمانه که ازان اوزان
 می کسد دانه در هر کالگی و مر و ارنده بطعه در سمور و در بعضی حوا هر غیر مر و ارنده و بطور
 غیر شکاری و جوب و دندان میل و دندان ماهی و در کاه غده نل فرمان و در وانه و در
 نص و برات و فاعات و حویایات قبه در اسلحه و در شمشیر و کارد و حجر و کناری و صندوق
 و کمان دست در سهر و نیزه و آینه و بر چینی و شانه و تسمیح و مرغان شکاری و نیسه و استره
 و مقراع و درفش و بادکش و غربال و سایر اجناس آنچه بدست استعمال کنند طاق در

مدات هراجناس را بر اثر در یک سطر نوشته و اول همه مدات اجناس مدآسامی نیکاشته
مدات این اجناس را تحت مدآسامی و اعداد آنرا تحت مدجنس نویسد و در باین جمع
اعداد هر جنس را که میزان گوید بعد خط مرصعی نگارد و تحقیق لغز تبرج به نظر فبر نیامده
ظاهر امانه تارا چ باشد و باید دانست که در افراد که کاغذ پیر چ است در فرد اول پیشانی
سیدگداشته و در وسطی طولی مدی که مخصوص آن کاغذ باشد مثل حه و خرچ و واصلاتی
و غیره می کشد و عبارت فارسی مجمله خصوصیت آن کاغذ را مرقوم میسازند و آنرا عنوان
گویند و وسط فرد را طولاشکن کرده و دو طرف قرار می دهند و آنرا اصاع خوانند و سر پیشانی
امراد را هر دو طرف محرف منکن می کنند پس طرف راست را گوشه محرف و طرف چپ
را گوشه اتصال خوانند و طرف چپ تحت هر مدرا ایراد و طرف راست تحت هر مدرا حسو
گویند و وسط تحت هر مدرا بارز خوانند و هر رقم که از رقمی مستثنی کنند آنرا منها گویند
مستثنی را اگر یک مرتبه باشد در حسو تحت مستثنی منه نوشته باقی را در بارز می نگارند
و اگر دو مرتبه باشد اول را در ایراد تحت مستثنی منه نوشته باقی را در حسو آرند و مستثنی
باین را تحت باقی نوشته باقی ثانی را در بارز نویسند و ایراد مصدر از باب افعال که ماده
ار برود است و حشونه می حالی و باید است اعنی ارتام حشو و ایراد مطلوب حقیقی
بست از جمله رواند است و ربادت اعداد را ایزاد نزنه معجمه خوانند و آنهم گاهی در حسو
و ایراد واقع میشود پس اگر مستثنی در حشو خواه ایراد باشد تحت آن علامت باقی بد بصورت
— نویسد و این نشان را از آنه گویند و اگر ربادت و غیره در حسو خواه ایراد باشد تحت آن
علامت که ابوا مفرده گویند بد بصورت — نویسند و مد پیشین را که مد گوشواره یک جنس
است در تمام صحنه کشد و برای تفصیل تحت آن دو مد در دو طرف کشد و هر یک طرف
را قرینه و ر کاه خوانند و گاهی چهار مد که دو یک طرف امد یکسند و همچنین گاهی شش و
غیر آن لیکن معمول است که مدات تفصیلی زوج می کشند و بعضی مدات فرد هم
می کشند لیکن این خلاف ضابطه است و هر چه گانه که حالی مانند در آن مدیاص که بعضی
معدی است مینویسد بد بصورت — تا دیگر کسی در آنجا چیزی نوشتن تواند و آنرا بیض
خوانند و بر ابتدای پیشانی فرد دوم در وسط فرد مدی مخصوص مع عبارت که در فرد

باب ۱۰ مطلب ۴ خزانه العلم (۶۵۲)
 طرف درد بگ و طبق و رکابی و دانان و کاسه و هر چه از قبل آورد باشد در خود
 و آسامی در زان *

خاتمه

ابن کمترین حلاق مشهور با اسم کانجی قوم کاپتهه مانهر مولف کتاب خزانه العلم که منزوی کج گسامی است هر چند لبافت آن نداشت که به تصنیف و تالیف این کتاب در ازد لیکن بعض بنائیدات سخانی و توہینات بزدانی در جمع قواعد مسائل و حل مسکلات این فن شریف سعی موبوره بعمل آورده خصوصاً ترجمه الحصرای انگریزی کمال مشقت کرده و اکبر از حساب مستطاب معلی القاب مطهر لطف و کرم صنع خود و حلم خورشید فلک امارت مستری بیت الشرف بصمت و عدالت حاکم جم حاه کیوان بارگاه خداوند نعمت مستر هری دکلس صاحب بهادر دام اقباله تصحیح آن ترجمه نموده الحمد لله والمنة بعون هدایت ابزد سبحانه و حل مثانه این کتاب شریف که مجمع مطالب لطیف است احتتام بذیرفته و تمام انگه شود که بطر عالی منعالی صاحبان مالیشان ملک مکان که قدر دان این من عالی از خصوص حساب خداوند نعمت نواب کیوان بارگاه ناظم الملک صدصام الدوله مستر وراسس هاکس بهادر هیت جنگ که صدر دیپاچه نام نامی انجناب مزین است و حساب خداوند نعمت مستر هری دکلس صاحب بهادر که حاتمه نام والای آحاب نرین دافه و حساب عالی منعالی حدیورمان خداوند دوران مجمع عدل و احسان حساب ملک رکاب سبف الملک ناظم الدوله و سوار خان مسترار ج نالدستین صاحب بهادر شہامت جنگ که ابن کمترین حلاق ازند و شعور سایه عاطفت آن والا حاه تربیت یافته و این قصیده در مدح و دعای انجناب ورد در ان میدان بگذرد *

حدیث و کافذی که به شهن بر جمع و وصول باشد آنرا چه عوارضی خوانند و در آن
 تدبیر صورت است عوارضی کافذی که جامع حقیقت کلی باشد از روی افراد
 و اجزاء آنرا پیچیده گویند و بسجده معنی نفل است و همچنین هر کافذی نام خاص که مناسب
 آن است که موسوم میشود و در کافذات دیهات حسره عبارت از کافذیهای زمین
 حواء نظرات محمول است و منتحب که عبارت از گوشواره احناس است معروف است
 و باید دانست که مجموعه افراد تک قسم کافذ را طبلق گویند و حلقه از کافذیهاست که در آن
 آنهاده امراء تواند ماند و منفرق نشوند و آنرا عیدک خوانند و نیز اهل دیوانه هر حس را که
 انواع و افراد آن کثیر باشد مدینه بنویسند و در مد ملاحظه می کنند که هر حرف از اسم جنس
 قابل مدمی باشد آنرا بمد میکنند و اگر حرفی قابل مد نباشد ضرورت غیر مد را هم در مد
 می نگارند و احساسی که مدات آن در کار خالجات معمول است بدین تفصیل است کتب
 برای مصیف مجید و دیگر کتب و ناصها عید برای غلام و کیز و خراجه سرا حواهر برای
 مر و اربد و الماس و غیره که مهران غیر مرصع باشد و آنرا بیاده نیز خوانند معدنیات برای
 نقره و طلا و مس و غیره فلزات آلات برای مرصع آلات و طلا آلات و نقره آلات و غیره
 اقمشه برای زربعت و مخمل و مشجر و غیره زشمی بدت سای موحدده مفتوح و مکنون باوقای
 فوقانی برای تیهان های دارچه سونی ملموسات برای چیره و فوطه و سردد و غیره اثواب
 برای حمامه و قبا و دستین و غیره معروشات برای فالس و منظر نجی و غیره فروش ارتفاعات
 برای شاه بانه و فئات و راوتی و غیره سینه و برای سفیر لاط و فطاس و پوستین باد و خسته و دوشاله
 و غیره عطریات برای عطر و مشک و عس و گلاب و غیره اصلاحه برای شمشیر و سندوق و جمد هر
 و غیره براق برای حوشن و زره و خود و غیره و باید دانست که سلاح و براق اگر چه خود
 بیک معنی است لیکن چون دو نوع است که یکی برای دفع دشمن و دوم برای حفظ
 بدن لهذا هر دو قسم را جدا جدا بنویسد او را برای آره و سوهان و نیشه و مفراص و چاه و روزه
 احاد بحاء معجمه و دال معجمه برای حیوانات پرندة سنکاري طور برای کبوتر و بلبل
 و طوطی و غیره مراتب برای نتاره میلی و شتری و اسبی و نشان و بان و غیره دواب برای
 اسب و فیل و شتر و بزگاو و غیره امام برای بز و گوسفند و میش و غیره ساع برای شبر

فهرست خزانه العلم



۱۳	طریق دوم عمل از یمنار بنگه از هر جائه خواهند ..	۳	مقدمه الكتاب
	مطلب سوم در تصنیف و دران دو طریق	۴	بیان اقسام حکمت
۱۴	است	۵	تعریف علم حساب
ایضا	طریق اول عمل از یمنار	۶	تعریف عدد
ایضا	طریق دوم عمل از یمنار بنگه از هر جائه خواهند	۷	بیان اقسام جوهر و عوض مقولات هسره
	مطلب چهارم در جمع که آنرا در انگریزی	۸	بیان اقسام عدد
۱۵	ادیشن گویند		
	مطلب پنجم در تفریق که آنرا در		باب اول در حساب صحاح و دران
ایضا	انگریزی سبتر اکشن گویند	۱۰	سزده مطلب است
	مطلب ششم در ضرب که آنرا در		مطلب اول در بیان صور اعداد
	انگریزی ملتیب ایکشن گویند و دران		و مراتب آن مع جدول و صور
۱۶	بسیج بیان است		ارقام و جدول مراتب و صور ارقام
۱۷	بیان اول در صرف آحاد می الاحاد		انگریزی و تصحیح آن بخط
ایضا	طریق صرف آحاد می الاحاد		انگریزی
۱۸	فائده اگر احد المصروفین نه داند طریق ضرب آن		مطلب دوم در تصنیف و دران دو طریق
	فائده اگر احد المصروفین هسره ناند طریق	۱۲	است
ایضا	ضرب آن		طریق اول عمل از یمنار

اقمه آنها آن در زرتشتیه مایهومات در پشمینه سوانی سفر لاط شفه در قبات و سفولاط در سه
 در اقمشه و ابعث و شمینه که و سلچه باشد و نگر عمل نماید و نیز در قور و بو و روزمین
 سکوت بر آردم و شتوان و بعضی گویند که شتر را بعیر می نویسند و رفته رفته بصورت
 نمر برآمده و بعضی بجواب آن ظاهر کرده اند که لازم نیست که مویز هر چیز البته آن
 چیز باشد که بمعنی دلالت کند بر آن چنانچه عدد را رویه و در بعضی آلات هم مینویسند
 و قطعه در حوا هرود در صرغان هم مستعمل شده و ازین قبیل چیزهای بسیار یافته میشود
 و ظل در شامیانه و نه چونه و تاندیری و صیره نویسند منزل در کشتی و در بعضی اقسام حیمه
 مثل زمین دوز و راوئی و لوتله و تپو و خرگاه و سرانده و بال و طهارتخانه و در آنچه سوار
 شوند مثل دالکی و والکی و سوکهایم و قدولی و کهاوه و عیاری و هودج و حویلیات و غیره
 چند در کتاب و پوست چهار بان سهم در تبریکه که شتر از دسته باشد تحت در کاغذ که سفید
 و کم آردسته باشد دسته در تبریکه و کاغذ سفید و ایشان که نیست و چهار تخته مروج دیار است و
 دوازده دسته را گدی نامند حکم در مناسب خدمات مثل قضا و احتساب و صدقات
 و غیره مرد در مهر و شات مثل قالن و فالنجه و شطرنجی و حاحم مفرد و در اوزاق زوج
 در قالین و فالنجه و شطرنجی و حاحم و دستانه که هست نامند تلاده در ساع شکاری
 و غره راس در اسب و گا و گاو میش و اشتر و مرکب و بز و میش و بیل گا و گور حرقور
 در آه و حرقوش و کتونه پانچه و مل آن قالب در حست ناث در گوشواره لفظ هندی
 است که مستعمل شده حمت در زبورهای دست و نا و چامچی و آفایه و هاون دسته
 و اسپا و موزه و کس و هر چه ازین قبیل باشد تحت در پوستین ااد و حنه نره در قلم و نشان
 نرع در بان رنجر در بیل مقد در زبورهای گلو مثل مالا و غیره باب در حانه و دککن
 و غیره قالب و طبق در طعام کاسه در آش و د و باره رکابی در فالوده و برنی و کتاب
 سگه در زمین زرعی موازی ایزد در زمین ساسانه در زنجیر همه در شیشه می در ار گلاب
 و غیره سرچ در زین حبه در نرکش صرب در زبورک و ثوب و غره مکان در صوحنات
 محال در درگنات موصع در زبات بلده در شهر کلان قصه در شهر حرد بند در شهر بکه
 کناره در با و محال گدار چهار باشد در خوره بهاولی و صبطی و دانه بدی و در انگشتری

طریق چهارم که بعضی شارحین خلاصه الحساب
 نوشته ۵۴
 فوائد ۵۵
 مائده اعداد ذواصغار ۵۶
 مائده دیگر اگر مقسوم علیه از اول عقدها باشد ایضا
 مائده دیگر اگر مقسوم علیه مفرد غیر الاحاد باشد ایضا
 مائده دیگر هر عددی را که در پنج قسمت نباید ایضا
 مائده دیگر اگر مقسوم علیه جزء عقدی باشد ۵۷
 مائده دیگر اگر مقسوم علیه عددی یا مرکبی
 از بود ایضا
 مائده دیگر هر عددی را که در ده قسمت کنند ۵۸
 مائده دیگر اگر خواهند که عددی را از
 بود و ده یا بیست و نود و ده یا ده هزار و
 نصد و نود و ده قسمت کنند ۵۹
 مائده دیگر اگر ارقام احاد و عشرات مقسوم
 علیه ۷ و ۷۷ و ارقام اخذ آن ۲۳ و در میان
 آن رقم نه بود نازم دیگر نباشد ۶۰
 مائده دیگر اگر مجموع صور احاد و عشرات
 اخذ مقسوم علیه نه باشد و در میان آن مساوی
 عدد نه رقم دیگر نبود ۶۱
 مائده دیگر اگر در مقسوم علیه عدد سه
 بجای نه بود ایضا
 مائده دیگر و اگر در مراتب مقسوم علیه رقم شش
 بجای نه بود و در اول دو طریق است ۶۲
 طریق اول ایضا
 طریق دوم ایضا

قاعده هفتم در ضرب اعداد ۳۶
 قاعده هشتم در ضرب سطر ایضا
 قاعده نهم در ضرب جدول ۳۷
 قاعده دهم در ضرب توضیح ۳۸
 قاعده یازدهم در ضرب قائم ۳۹
 قاعده دوازدهم در ضرب تقابل و در آن چند
 طریق است ایضا
 طریق اول بطور مشهور ایضا
 طریق ثانی که بدانست بدنه از اول اسهل است ۴۰
 طریق دیگر که بدانست تغییر اسهل تر است .. ۴۱
 قاعده سوزدهم در ضرب ششگانه صدیری ۴۲
 قاعده چهاردهم در ضرب ناقص ۴۳
 قاعده پانزدهم در ضرب صحیح ۴۴
 قاعده شانزدهم در ضرب منقطع ایضا
 قاعده هجدهم در ضرب حدی ایضا
 قاعده بیستم در تقریب حسنی ۴۵
 قاعده هر بیان عمل عقد امان ۴۶
 مطلب هفتم در قسمت که آنرا در
 انگریزی **دو بژن گویند** ۴۹
 تعریف قسمت و انواع آن ایضا
 اول قسمت فلل بر کندر ۵۰
 دوم قسمت کثیر بر فلل و در آن چند طریق است ایضا
 طریق اول معمول دیگر ایضا
 طریق دوم که صاحب عیون الحساب بنا ساخته ۵۱
 ازین سوم که معروف است و در خلاصه
 الحساب مخطوط ایضا

تذکره اشعار

قصیده

- * ای قائم اثر خود تو نام و نشان عدل * وی آنکه شد بلند ز عدل تو شان عدل *
- * این ابلق سپهر که خو کرده کج روی است * از شهنسوار حکم تو شد همعنان عدل *
- * هر کشته جفای زمانه پیش تو * آید اگر که تا بکند امتحان عدل *
- * از یک نگاه لطف و کرم زانده اش کنی * اعجاز مسموی کنی در زمان عدل *
- * شیر فلک به نور و حمل می برد پناه * هر گاه که تیر حکم تپی در کمان عدل *
- * حد عدالت نوحه گویم که شد قضا * از حکم نصفت نوز فرمان بران عدل *
- * هر سائلی که از تو سوال جوی کند * دینار و گوهرش دهی ای سحرکان عدل *
- * از بهر خاص و عام تو در داده صلا * از حلق و لطف خویش بگسترده خوان عدل *
- * هر بیکس و غریب که شده بهمان تو * مشکور نعمت تو شد ای میزبان عدل *
- * هر گاه که ابر رحمت تو در فشان شود * نخل امید برد هدای بوستان عدل *
- * گرد دزه هر لطف تو هر روز افتاب * هر جا نظر بیفگنی از دید بان عدل *
- * شاهین کند بنیهر و کجشک آشنی * هر جا عقاب حکم تو کرد اشیان عدل *
- * از ساق عدالت تو بسکه در جهان * هستند خاص و عام بدار الامان عدل *
- * دارند جن و انس و ملائک ز بهر تو * هر صبح و شام ورد خود ای آسمان عدل *
- * تا مهر و ماه نور فشان است بهر تو * باشد بفرق ما میان سایبان عدل *
- * تازندگی غلامی در کاهت آرزوست * ای خسرو زمانه و نوشروان عدل *

- مطلب نانی در استخراج کسور و کسور
- کسور و رجوع باقی کردن مخرج
- ۱۱۰ فائده در رجوع کردن مخرج باقی
- ۱۱۲ مطلب ثالث در تقسیم کسور
- مطلب چهارم در ترفیع کسور
- ۱۱۴ مطلب پنجم در فرد کردن کسور
- عبر مفرد
- مطلب ششم در تصعیف و تصفیف و جمع
- و تفریق کسور
- مطلب هفتم در صورت کسور و فوائد
- مطلب هشتم در قسمت کسور و فوائد
- مطلب نهم در استخراج حد در و صانع
- اول مصاعف کسور
- مطلب دهم در استخراج صاع اول
- مصاعف اصم نظریه تیکه اقرب
- الذریعه بر آید
- مطلب یازدهم در تحویل کسور
- باب سیوم در بعض فوائد عام که بحساب
- راد است آن حد و راست و
- در آن چهار مطلب است
- مطلب اول در بیان حواصن اعداد

- ۹۳ فائده در بیان اینکه گاهی عددی بجز عددی دیگر در
- مراکتب عدد طبع اول در مصاعف و اوج
- ۹۴ ميسره
- فائده در بیان اینکه در ناقص هم کلمه را می خوانند
- ۹۵ احتیاط عددی فائده لمبشود و امثله آن
- ۹۶ فائده در بیان استخراج صاع اول مصاعف
- ۹۷ فائده و نافع و امثله آن
- ۹۸ فائده دیگر در استخراج مصاعف فائده و نافع
- طریق صحیح و صحیح فائده که در باب حد
- و فائده مد کوز است عمل معاند
- ۱۰۱ مطلب سیزدهم در میزان مصالح
- ۱۰۲ طریق میزان نه و نظریه مدرن فائده پاره
- ۱۰۳ بیان حقیقت میزان و نظریه میزان بهر
- معددی که خواهد بود که قدر استناد کرده
- فوائد دیگر
- باب دوم در کسور و این مشتمل بر
- مقدمه و فائده مطلب است که آنرا
- در اگر روی فراگسین گویند
- مقدمه در تصعیف کسور و بیان اقسام آن
- مطلب اول در بیان صورتان کسور و بیان
- نسبت چهارگانه اعمی ثمانی و
- تداخل و توافق و تمایز و بعضی
- خواهد که مشاق آن است

قاعده در ضرب مضروبین مختلفین که نصف
 ۲۳ مجموع آنها مغرب باشد
 ۲۴ قاعده تسهیل از روی جمع است
 قاعده تسهیل عمل از روی تضعیف است
 المضروبین
 قاعده بطریق عبور الحساب در ضرب اعداد دیکه
 از قام احد المضروبین آن متمایزه باشد ..
 قاعده در بیان مقدمه از روی عبور الحساب
 که اکثر قواعد رجوع بدان دارند
 قواعد که ازین مقدمه مستخرج میشوند در این
 شمس فائده است
 قاعده اول در ضرب مائین العشره و المائنه بعضها
 می بعض
 قاعده دوم در تریج اعداد مائین العشره و المائنه
 مسرطیکه احاد او پنج باشد
 قاعده سوم در تسهیل تریج
 قاعده چهارم در تسهیل ضرب مزیادت و نقصان
 قاعده پنجم در تسهیل ضرب نه تجزیه
 قاعده ششم در ضرب اعداد هزدهست و پنج ..
 بدان پنجم در ضرب مرکب می المركب که مراتب
 آن کثیره باشد و هر آن چند قواعد است ..
 قاعده اول در ضرب بالتصعيف
 قاعده دوم در ضرب شکره
 قاعده سوم در ضرب نائم
 قاعده چهارم در ضرب تشعيب
 قاعده پنجم در ضرب محذرات
 قاعده ششم در ضرب مستقیم
 ایضا

فائده اگر احد المضروبین شمس باشد بطریق ضرب آن ۱۸
 شکل مذکور می برای ضرب آحادی الی الی ایضا
 بیان دوم در ضرب آحاد می المغرب غیر الی الی
 و ضرب مغرب غیر الی الی ایضا
 بیان سوم هر ضرب مغرب می المركب ۱۹
 طریق ضرب مغرب می المركب ایضا
 فائده اگر احد المضروبین نه باشد بطریق
 ضرب آن ۲۰
 فائده اگر احد المضروبین هشت باشد
 طریق ضرب آن ایضا
 فائده که صاحب عبور الحساب برای ضرب
 هزدهست مرکب قاعده خاص بیان کرده .. ایضا
 فائده اگر احد المضروبین پنج باشد ۲۱
 بیان چهارم در ضرب مرکب می المركب ۲۲
 طریق ضرب نه تجزیه مفردات ایضا
 قواعد از روی خلاصه الحساب ایضا
 قاعده در ضرب آحاد فیمائین العشره و العشرین
 قاعده در ضرب مائین العشره و العشرین بعضه
 می بعض ایضا
 قاعده در ضرب مائین العشره و العشرین فیمائین
 العشره و المائنه ایضا
 قاعده در ضرب اعداد در یازده یا در یکصد و
 پنجاه یا در یک هزار و یکصد ۲۳
 قاعده در ضرب اعداد مائین العشرین و المائنه
 بعضها می بعض هوای مفردات ایضا
 قاعده در ضرب اعداد مائین العشرین و المائنه
 هوای مفردات مسرطیکه عسرات مضروبین
 تا هم مختلف باشند بعضها می بعض .. ۲۴

مسئله در اولی درجه از اجزای متوالیه در ابتدای

۱۳۷ ...

نصل هر اولی در مجموع متوالیه بطریق

۱۳۸ ...

نصل چهاردهم در جمع متوالیه ...

نصل پنجم در جمع متوالیه ...

نصل پنجم در جمع متوالیه ...

نصل پنجم در جمع متوالیه ...

نصل پنجم در جمع متوالیه ...

مطلب سیوم در بیان بعضی مسائل

هندسی که متعلق عدد و علم

حساب است و در آن سی و چهار

مسئله است مع نام نسبت ها

۱۳۹ ...

مسئله اولی در اربعه متناسبه و خواص آن ...

مسئله دوم در جمع النسبت ...

مسئله سوم در ضرب النسبت ...

مسئله چهارم در ابدال النسبه ...

مسئله پنجم در ترکیب النسبت ...

مسئله ششم در نصل النسبه ...

مسئله هفتم در طلب النسبه ...

مسئله هشتم در ثلث متناسبه که اول اعظم از

دوم باشد ...

مسئله نهم در نسبت منقطبه و مضربه ...

مسئله دهم در اربعه متناسبه علی الولد و بین

خواص آن ...

مسئله یازدهم در جمع و تفریق نسبت ...

۱۳۴ ...

مسئله هیزدهم در بیان نسبت احد الضرب و غیر

بطریق مربع خودش و نسبت مربع بطریق

۱۳۵ ...

مسئله چهاردهم در بیان اینکه هر عددی را که

در عددی ضرب کنند و باز آن عدد را بر همان

عدد قسمت کنند و حاصل ضرب را در خارج

قسمت ضرب کنند حاصل معاری ...

۱۳۶ ...

مسئله پانزدهم اگر دو عدد را بر یکدیگر قسمت

نمایند و نیز در یکدیگر ضرب سازند و خارجین را

در حاصل ضرب ضرب کنند مجموع حاصلین

۱۳۷ ...

مسئله شانزدهم هر یک دو عدد را بر یکدیگر

قسمت کنند و خارجین را با هم ضرب سازند

۱۳۸ ...

مسئله هفدهم مجموع عددین را اگر بر هر یکی

از آن عدد قسمت کنند و خارجین را با هم ضرب

۱۳۹ ...

مسئله هیجدهم در بیان اینکه نسبت خارج

النسبت بطریق مربع خود مثل نسبت

۱۴۰ ...

مسئله بیستم در بیان اینکه نسبت خارج

النسبت بطریق مربع خود مثل نسبت

۱۴۱ ...

۷۱ طریق معمول تغییر

۷۲ در وقت صا حسب خلاصه الحساب
 طریق صا حسب تغییرات حساب و جدول منفرجه

۷۳ جدول منفرجه ایضا

۷۴ مواضع دیگر ایضا

مطلب دهم در استخراج ضلع اول
 مضامین بوجه عام که آنرا در
 انگریزی ابولو شین الجبرل گویند

۷۵ بیان فائده و فوائد آن ایضا

۸۰ فائده اولی در شکل منفرجه ایضا

۸۱ فائده ثانی در بیان علامت منفرجه ایضا

۸۲ فائده ثالث در بیان اصول معادل ایضا

۸۳ فائده چهارم در تعیین صفت معادل ایضا

۸۴ فائده پنجم در بیان اعداد معرفه ایضا

۸۵ فائده ششم در خلاصه مضامین که عدد منزل
 آن روح باشد ایضا

۸۶ فائده هفتم در خلاصه صریح اعداد منفرجه ایضا

۸۷ فائده هشتم در جدول مضامین آحاد آن در خانه
 تا منزل مثال مثال کعبه کعبه ایضا

۸۸ فصل در استخراج فضل بن المصلحین عدد بیست
 که منزل آنها منفرجه باشد ایضا

مطلب نهم در استخراج جذر و حصول
 مجذور آن در آن دو طریق است
 و آنرا در انگریزی ابولو شین آفدی
 اسکودرروت گویند

۸۹ طریق حصول مجذور ایضا

۹۰ استخراج جذر اعداد فلبل ایضا

۹۱ بیان استخراج جذر اعداد کثیر در آن چند طریق است

فائده دیگر اگر در معلوم علیه رقم چهارده
 سرا حسب بجای نه باشد ۶۰

فائده دیگر اگر در معلوم علیه رقم هشت
 هشت باشد ۶۱

فائده دیگر اگر در معلوم علیه رقم هشت باشد ایضا

فائده دیگر اگر در معلوم علیه رقم هشت باشد ایضا

فائده دیگر عددی را که بر آن سه قسمت کنند
 مطلب نهم در بیان حقیقت جذر و ضلع
 اول و مجذور و مضامین دیگر و
 مایهات به او آنرا در انگریزی روت
 گویند ۶۲

تعمیر جذر و ضلع اول و مجذور و مضامین
 و اساسی آنها ایضا

طریق استخراج اساسی مضامین از عدد منزل
 و استخراج عدد منزل از اساسی مضامین
 فائده در بیان جذر منطق و اسم و صدق نشان علمای کثیر
 جذر اسم است و تحقیقات آن ۶۳

فوائد دیگر ۶۴

مطلب نهم در استخراج جذر و حصول
 مجذور آن در آن دو طریق است
 و آنرا در انگریزی ابولو شین آفدی
 اسکودرروت گویند ۶۵

طریق حصول مجذور ایضا

استخراج جذر اعداد فلبل ایضا

بیان استخراج جذر اعداد کثیر در آن چند طریق است

- ۱۶۱ بیان پنجم در فوائد نسبت سابعه
- ۱۶۲ بیان ششم در فوائد نسبت ثامنه
- ۱۶۳ بیان هفتم در فوائد نسبت تاسعه
- ۱۶۴ بیان هشتم در فوائد نسبت عاشره



باب چهارم در طریق حساب اهل تحجیم

- ۱۶۵ و در آن مقدمه و شش مطلب است ایضا
- ۱۶۶ و در بیان اصطلاحات اهل تحجیم و ترکیب اعداد بصورت قهجی و فائده
- ۱۶۷ مطلب اول در تضعیف و تنصیف و جمع و تفریق
- ۱۶۸ بیان اول در تضعیف و در آن دو طریق است ایضا
- ۱۶۹ بیان دوم در تنصیف و در آن دو طریق است ..
- ۱۷۰ بیان سوم در جمع
- ۱۷۱ بیان چهارم در تفریق و فائده
- ۱۷۲ مطلب دوم در صرف و فائده متضمن حدود استینبه و قوا حد صرف
- ۱۷۳ فائده اول در صرف مجرد می المركب و در آن دو طریق است
- ۱۷۴ فائده دوم در صرف مرکب می المركب و در آن دو طریق است
- ۱۷۵ در طریق اول صرف شکره
- ۱۷۶ در طریق دوم صرف دائم
- ۱۷۷ قوائد دیگر
- ۱۷۸ مطالب سیوم در قسمت مع حدود و مطالب در آن دو طریق است و فائده
- ۱۷۹ در آن دو طریق است و فائده

- ۱۵۵ اول نسبت عددی
- ۱۵۶ دوم نسبت عددی
- ۱۵۷ سوم نسبت تالیفی
- ۱۵۸ چهارم نسبت متضاده
- ۱۵۹ پنجم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف تعاضل اصغرین مثل نسبت اصغر
- ۱۶۰ ششم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف تعاضل اصغرین مثل نسبت اصغر
- ۱۶۱ هفتم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۲ هشتم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۳ نهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۴ دهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۵ یازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۶ دوازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۷ سیزدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۸ چهاردهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۶۹ پانزدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۰ شانزدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۱ هجدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۲ بیستم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۳ بیست و یکم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۴ بیست و دوم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۵ بیست و سوم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۶ بیست و چهارم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۷ بیست و پنجم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۸ بیست و ششم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۷۹ بیست و هفتم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۰ بیست و هشتم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۱ بیست و نهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۲ بیست و دهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۳ بیست و یازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۴ بیست و دهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۵ بیست و یازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۶ بیست و دهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۷ بیست و یازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۸ بیست و دهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۸۹ بیست و یازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۹۰ بیست و دهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد
- ۱۹۱ بیست و یازدهم در میان اعداد ثلثه که نسبت تعاضل اعظمین بطرف اصغر باشد

قاعده که موافق استنباط نموده ۱۳۰
 قاعده دیگر که موافق استنباط نموده ایضا
 قاعده کلی که موافق استنباط کرده ایضا
 فصل سیم در جمع اعداد متوالیه علی نظم
 ضمیمه نزهتخانه که بخواهند ۱۳۱
 فصل چهارم در جمع اعداد متوالیه از ابتدای
 واحد و در این دو طریق و روشی است ایضا
 فصل پنجم در جمع اعداد متوالیه از واحد متوالیه
 از هر جا که بخواهند و در این دو طریق است ایضا
 طریق اول که شامل جمع اعداد و جمع از واحد
 متوالیه است ایضا
 طریق دوم که خاص برای جمع اعداد
 متوالیه است ۱۳۲
 فصل ششم در جمع اعداد متوالیه از
 حاد تا درم تا هر جا که بخواهند ایضا
 فصل هفتم در جمع اعداد متوالیه از ابتدای حاد
 تا درم تا هر جا که بخواهند ۱۳۳
 فصل هشتم در جمع اعداد متوالیه که ترا بد آن معین
 باشد لیکن در حاد اول عدد ترا بد واقع شده ایضا
 فصل نهم در جمع مثلثات و مربعات و مستطبات
 و مستطبات و غیره ۱۳۴
 تعریف مثلثات و غیره ایضا
 قاعده جمع اعداد مثلثات و غیره ۱۳۵
 قاعده خاصه مثلثات ایضا
 فصل دهم در جمع مربعات متوالیه که ترا بصورت
 گردند از ابتدای واحد تا هر جا که بخواهند ۱۳۶

خاصه عدد نظری ۱۳۵
 خاصه عدد روح ایضا
 خاصه روح البروج ایضا
 خاصه روح البروج و العرش ایضا
 خاصه مفسر ۱۳۶
 خاصه مفسر ایضا
 خاصه عدد تام ایضا
 مطالب دوم در جمع اعداد و در آن
 مقدمه و یاد آورده فصل است و آنرا
 در انگریزین ایتیمولوژی و سبیش
 گویند ایضا
 مقدمه در بیان نسبت هندسی و نصیحت عددی
 که آرد در انگریزین و مفسر یکل پراگیشن
 و آرتیکل پراگیشن گویند ایضا
 فصل اول در جمع اعداد متوالیه علی نسبت
 هندسی که نسبت است بی الکلیف است
 و در این دو بیان است ایضا
 بیان اول در جمع تصحیفات متوالیه و قاعده کلی
 که شامل است جمع تصحیفات و جمع
 که اعداد متوالیه ایضا
 بیان دوم در جمع اعداد که ترا بد آن حادی
 نسبت صحیح باشد ۱۳۷
 فصل دوم در جمع اعداد متوالیه علی نظم ظنی
 در این چهار قاعده است ۱۳۸
 قاعده معروفه نظیر خاصه الحساب و دستور
 الحساب ایضا

۱۹۳	کثیر الاضلاع	۱۹۲	مثلث
ایضا	مستقیم	ایضا	قائم الزاویه
ایضا	معدس و غیره	ایضا	متساوی الساقین
ایضا	ذو خمسة اضلاع	ایضا	مختلف الاضلاع
۱۹۴	مدرج	ایضا	منعرج الزاویه
ایضا	مقابل	ایضا	متساوی الساقین
ایضا	ذو ضلع	ایضا	مختلف الاضلاع
ایضا	غیر مستقیم الاضلاع	ایضا	حاک الروایا
ایضا	دائرة	ایضا	متساوی الساقین
ایضا	قوس	ایضا	متساوی الاضلاع
ایضا	قطعه کبری	ایضا	مختلف الاضلاع
ایضا	قطعه صغری	۱۹۳	دواربعة اضلاع
ایضا	نصف دائرة	ایضا	مربع
ایضا	جیب مستوی	ایضا	مستقیم
ایضا	جیب معکوس که اندر سهم فخر گویند	ایضا	مستطیل
ایضا	قطاع اصغر و اکبر	ایضا	شبهه قائم
۱۹۴	منظوم	ایضا	دورنگه
ایضا	اهلیجی	ایضا	ذو رتقین
ایضا	عدسی و شلجی	ایضا	ذو رتقین متساویین
ایضا	تعلی	ایضا	دورنگه مختلفین
ایضا	عالی	۱۹۴	شکائی
	کره و دایره مرکز و سهم و مسجور و افطار و اوتار	ایضا	ذو السمن
ایضا	قطبین آن	ایضا	لوری و جوداده
ایضا	قطعه الكرة	ایضا	ما طیه
ایضا	قطاع الكرة	ایضا	شبهه بالشکائی
ایضا	تدین	ایضا	ذو رتقین
ایضا	اسطوانة قائمه و مائله و مصالح و مستطیر	ایضا	قطار
۱۹۷	مسجور	۱	منصرف

مسئله بیستم مجموع تکرارهای n عددی که مجموع آنها n می باشد
 ۱۴۵
 مسئله بیست و یکم تفاضل درین مورد معنی مساوی
 معظم مجموع جذری می تعادل جذری
 ۱۴۶
 مسئله بیست و دوم تعادل مربع نصف العدن
 بر معظم بقدر مربع فصل درین الصب
 والقسم است
 مسئله بیست و سوم سطح عددی احد القسمن
 مع مربع نصف قسم آخر مساوی مربع
 مجموع مضرب و نجه و نصف قسم آخر است
 مسئله بیست و چهارم نسبت این و ربعین مثل
 نسبت جذری این است مقادیر تکریر و نسبت
 دائری مثل نسبت قطرین است مائة التکریر
 و قدر نسبت مضربین مساویست مایل نسبت
 صافین و قدرین است مقادیر تکریر
 مسئله بیست و پنجم نسبت های وسطی درین
 نسبت ضلعین است مثلثات التکریر
 مسئله بیست و ششم در نسبت های وسطی درین
 مسئله بیست و هفتم در خاصه امرات
 مسئله بیست و هشتم در خاصه روح العرب
 مسئله بیست و نهم در خاصه مصر و صروف مصر
 که در حدس مصاحبات باشند
 مسئله سی ام در حروف اعدادی اجدی از حروف
 اوصاف منفرد و بر تالی اجدی از اجزاء
 رقعی که مخرج آن از مخرج اول واحد کمتر

باقی حروف اعدادی که با یکدیگر پس هر قدر
 ۱۴۸
 مسئله سی و یکم هرگاه از عددی اجزاء او را
 بعد از معده ساقط کنند و بر تالی اجزاء آن
 که مخرج آن از مخرج اول بعد مذکور
 کم باشد بهمان عدد معزولند حواء بالعکس
 در هر دو صورت حاصل همان عدد خواهد بود
 مسئله سی و دوم هرگاه از عددی اجزاء او را
 که بعد از مخرج مواضع کم باشد ساقط کنند
 و تالی را در مخرج صرف سازند حاصل همان
 عدد خواهد بود
 مسئله سی و سوم هرگاه از عددی اجزاء او را
 بعد از معده ساقط کنند و از واحد هم جزء
 واحد را بهمان عدد و مخرج ساقط نمایند
 و تالی را بر تالی واحد نسبت سازند حاصل
 همان عدد خواهد بود
 مسئله سی و چهارم در عکس نسبت
 مطلب چهارم در استخراج عدد نام
 وزائد و ناقص و حدیث و مایلین است
 فصل اول در استخراج عدد در آن دو طریق است
 فصل دوم در استخراج اعداد زیاد و ناقص و بدان
 حاصل عدد ناقص
 فصل سوم در استخراج عددین متعادلین و در آن
 در دو طریق است
 فصل چهارم در استخراج عددین متعادلین
 مطالب اسم در آن نسبت های عشره
 متعده و بدان دو آردان
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵

مسئله پانزدهم در سطح متوازی الاضلاع که بر قاعده
 واحد نمی‌باشد و در جهت واحد در میان دو خط متوازی
 واقع شوند متناهی می‌شوند ۲۰۱
 مسئله شانزدهم در آن سطح متوازی الاضلاع و منطبق
 که بر یک قاعده می‌باشد و در جهت واحد در میان دو خط
 متوازی باشند آن سطح ضعف متکلیت
 خواهند بود
 مسئله سیزدهم در مثلث قائم الزویه مربع وتر
 مساوی مجموع ضلعین می‌باشد
 مسئله چهاردهم سطح یک خط در خط آخر
 مساوی مجموع مسطحات آن خط در تمام
 خط آخر است
 مسئله پانزدهم سطح خط در مجموع تمام
 حودش مساوی مربع آن است
 مسئله شانزدهم سطح یک خط در یکی از دو قسم
 حودش مساوی مجموع مربع آن قسم و سطح
 آن قسم در تمام آخر است
 مسئله هجدهم مجموع سطح خط مع الزیاد
 می‌باشد مع مربع آن ضعف مساوی مربع
 نصف مع الزیاد است
 مسئله نهم چهار امثال سطح خط می‌باشد
 نسبت مع مربع تمام آخر مساوی مربع
 خط است که بر آن بقدر تمام اول زاید کرده باشد
 مسئله نهم مربع وتر مدای معرجه الزویه
 اعظم از مربعین ضلعین بقدر ضعف سطح
 قاعده می‌باشد که در استخراج قاعده در میان
 زاویه و موقع عمود می‌باشد
 مسئله نهم مربع وتر مثلث جان الزویه معر

از مربعین ضلعین بقدر ضعف سطح قاعده
 در قدر واقع بین الزویه و مربع العمود است ۲۰۲
 مسئله نهم در یک هر خط که از مرکز دایره بیرون
 خارج شود پس اگر منصف وتر باشد عمود
 و اگر عمود است منصف وتر است
 مسئله نهم در دو زاویه مرکزی دایره ضعف
 زاویه محیطیه می‌باشد
 مسئله بیست و نهم در تمام محیطیه که در یک
 نقطه دایره واقع شوند متساوی می‌باشد
 مسئله بیست و چهارم هر دو استرالیج مرکز
 نقطه دایره تا عمل و بالخصاب
 مسئله بیست و پنجم هرگاه وترین در قوس دایره
 متساوی باشند هر دو قوس هم متساوی
 خواهند بود
 مسئله بیست و ششم در نصف دایره زاویه محیطیه
 قائمه و در نقطه اعظم از نصف زاویه حاده و در
 نقطه اصغر از نصف زاویه منفرجه می‌باشد
 مسئله بیست و هفتم سطح ضلعین وتر مساوی
 سطح ضلعین وتر آخر که تقاطع کرده باشند
 خواهند بود
 مسئله بیست و هشتم سطح جمع خط قاطع
 در مقدار خارج دایره مساوی مربع خط
 مماس که از یک نقطه خارج شده باشد
 خواهند بود
 مسئله بیست و نهم در هر طریق کسین دایره
 می‌باشد نسبت کسین دایره
 می‌باشد که در هر طریق کسین دایره علی‌الغایت
 مماس هر دو طریق کسین دایره علی‌الغایت
 مسئله سی و یکم در سطح متوازی الاضلاع خرا

۱۸۹ تعریف خط منحنی
 ۱۹۰ تعریف سطح
 ایضا تعریف سطح مستوی
 ایضا تعریف سطح غیر مستوی
 ایضا تعریف سطح معتدلی
 ایضا تعریف سطح منحنی
 ایضا تعریف جسم
 ایضا تعریف خطوط متوالیه
 ایضا تعریف سطوح متوازیه
 ۱۹۰ تعریف زاویه
 تعریف زاویه مستقیمه که آنرا زاویه بسیطه
 ایضا نیز گویند
 ایضا تعریف زاویه مجسمه
 تعریف فصل مذکور که در میان خط یا سطح
 ایضا یا جسم واقع شود
 ۱۹۱ بیان اسامی زاویه مسطحه
 ایضا زاویه مستقیمه و آنرا
 ایضا قائمه
 ایضا منفرجه
 ایضا حاده
 ۱۹۲ زاویه مستقیمه الحظین
 ایضا قائمه
 ایضا منفرجه
 ایضا حاده
 ایضا بیان اشکال مسطحه و اشکال مجسمه
 ایضا اشکال مسطحه
 ایضا مستقیم الاطراف

مطلب چهارم در استخراج جذر و صلح
 ۱۷۸ اول مضاعفات
 مطلب پنجم در تحویل ارقام ستینیه الی
 ۱۸۰ هدیه و بالعکس و در آن نه بیان است
 بیان اول در تحویل ارقام ستینیه الی ارقام
 هدیه و در آن دو طریق است
 ایضا بیان دوم در تحویل ارقام هدیه الی ستینیه و در آن
 نیز دو طریق است
 ۱۸۱ بیان سوم در کسور اعشاریه
 ۱۸۲ بیان چهارم در تحویل کسور ستینیه الی اعشاریه
 و در آن دو طریق است
 ۱۸۳ بیان پنجم در تحویل کسور اعشاریه الی ستینیه
 و اینم دو طریق است
 ۱۸۴ بیان ششم در اعداد کسور ساده
 ۱۸۵ بیان هفتم در تحویل کسور هدیه الی ستینیه
 ۱۸۶ بیان هشتم در اعداد کسور اعشاریه
 ۱۸۷ بیان نهم در تحویل کسور هدیه الی اعشاریه
 ۱۸۸ مطلب ششم در بعضی قواعد
 قاعده اول در تقصیر دائره
 ۱۸۸ مائده دوم در بیان فوس و مقدمات آن
 ۱۸۹ نام پنجم در مساحت و در آن دو مائده
 و سیزده مطلب است
 ایضا مقدمه اول مع جدول اصطلاحات انگریزی
 ایضا تعریف مساحت
 ۱۸۹ تعریف ابعاد ثلثه اعمی طول و عرض
 ایضا تعریف خط مختلف و اسامی آن
 ایضا تعریف خط مستقیم

فائده در استخراج قطر دایره از وتر قوس ۲۲۷

فائده در استخراج قطر قوس سنس دایره مساوی

اصب قطر دایره می باشد ۲۲۸

طریق اول با عمل بدرجه مثل بحکم ارمقاله

اول اکتونا و دو سینوس .. . ۲۲۹

طریق دوم با عمل .. . ۲۳۰

طریق سینوس با عمل .. . ۲۳۱

طریق چهارم با عمل .. . ۲۳۲

طریق پنجم با عمل .. . ۲۳۳

طریق ششم با عمل .. . ۲۳۴

طریق هفتم با عمل .. . ۲۳۵

طریق هشتم با عمل .. . ۲۳۶

طریق نهم با عمل .. . ۲۳۷

طریق دهم با عمل .. . ۲۳۸

طریق یازدهم با عمل .. . ۲۳۹

طریق بیستم با عمل .. . ۲۴۰

مسئله چهارم در استخراج ارتفاع اضلاع

و محیط .. . ۲۴۱

مسئله پنجم در استخراج مقدار عمود و محیط

و اصل من محیط دایره و راس محیط قائم

از محیط ناقص .. . ۲۴۲

مسئله ششم در استخراج مساحت ساحین اکتوری

از اشکال مستطینات .. . ۲۴۳

ندان اول در ترکیب ساحین در ثنائیه فواید

مناجات .. . ۲۴۴

ندان دوم در ترکیب ساحین در تسری فواید

مناجات .. . ۲۴۵

ندان سوم در ترکیب ساحین در الثلی عشر

مناجات .. . ۲۴۶

ندان چهارم در ترکیب ساحین اشکال دو صدی

در آن گنجانده و روابط است .. . ۲۴۷

نایب اول در تقسیم مناسبت مسایر الاضلاع

۲۴۸ قطر دایره های محیطه اشکالی می مذکور

مسئله پنجم در استخراج قطر کوه و محیط

دایره منطبقه و در آن موارد و چند طریق است

فائده اول هرگاه در سطح کوه دایره کشیده شود

در تقسیم خواهد شد .. . ۲۴۹

فائده دوم مقدار قوس هرگز که به بعد از دایره

در سطح کشیده شود مقدار وتر نصف قوس

خواهد شد .. . ۲۵۰

فائده سوم هرگاه که مرکز دایره باشد منفرجه

قطب کوه است .. . ۲۵۱

فائده چهارم قطر دایره مساوی و وتر قوس محیط

دایره منطبقه کرده میشود .. . ۲۵۲

فائده پنجم هر دو وتر هر دو در نصف قوس که منفرجه

در نقطه قطب منطبق میشوند و از آن طرف دایره

بیک مناسبت مساوی است این حادثه مذکور

فائده ششم قطر کوه قطر دایره منطبقه کوه است

فائده هفتم اگر بر دو نقطه طرفین خط دایره

نقطه که از نصف خط راند باشند کشیده

شود هر دو دایره در حتماً تقاطع خواهند شد

فائده هشتم هر دو کسینوس مناسبت مساوی

است .. . ۲۵۳

فائده نهم هر دو کسینوس منطبقه مساوی

فائده دهم در طرفین کسینوس دایره عمودی است

و در مسطحه است .. . ۲۵۴

فائده یازدهم در مناسبت مسایر اشکال هرگاه

در مناصب ساحین در بیرون بتاریف راس

المناجات کشیده شود هر دو در نقطه مناسبت

خواهند شد و مناسبتین خواهند بود .. . ۲۵۵

فواربعه عشر قواعد که هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 ۱۹۹ مربعات باشند
 ذواتنا وثلثین قاعده که دوازده از آن مجسمات
 و بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بدون بعضی اشکال مجسمه مثل طایر و ارج و غیره
 مقدمه دوم در بیان بعضی مسائل هندسی
 وقواعدی که متعلق از مساحت است ..
 مسئله اول در مثلث متساوی الساقین زاویه
 قاعده متساوی می باشد
 مسئله دوم در بک مثلث و اثرهای زاویه
 متساویان متساوی می باشد
 مسئله سوم در نصف زاویه
 مسئله چهارم از تقاطع خطان متساوی که
 چهار روایحانند مسود زوایجین مقابله
 متساوی می باشد
 مسئله پنجم مجموع روایح مثلث متساوی
 قائمه مسود و زاویه درجه مساوی زوایجین
 متساویان داخلین می باشد
 مسئله ششم ضلع اعظم زاویه اعظم و ضلع اصغر
 و تر زاویه اصغر می باشد
 مسئله هفتم مجموع ضلعین مثلث اعظم از
 ضلع ثالث مسود
 مسئله هشتم هرگاه در خطی دو عمود قائم شوند هر دو
 طرف هم متوازی اند کسب چهار زاویه قائمه مساوی
 مسئله نهم در هر سطح در زاویه ضلع قائم الروایح
 متساوی متساوی می باشد
 مسئله دهم اضلاع متساویین سطوح متوازی اضلاع
 متساوی می باشد ..

مستدیر ۱۹۷
 مسئله و ناقصه و نام و مانده و قائمه
 سطح ملکیه
 دومی
 ابریه
 حلقه مربع مستدیر ۱۹۸
 قطاع الحلقه
 قطعه الحلقه
 ذواتی
 اشکال مجسمه
 فصل المحروط
 فصل المعین
 منسور
 فواربعه قواعد مثلثات متساویة الاضلاع و الروایح ۱۹۹
 در مسئله مربعات متساویان که آنرا مکعب مبرکوبند
 فوئمانیه قواعد مثلثات متساویة الاضلاع و الروایح
 در عشرين قاعده مثلثات
 ذواتنا عشر قاعده مجسمات
 ذواتنا قواعد القواعد که چهار از آن مثلثات و چهار از آن
 مسدسات باشد
 فواربعه عشر قواعد که شش از آن مربعات و هشتاد
 مثلثات باشد
 فواربعه عشر قواعد که شش مثلثات و هشتاد
 مثلثات باشد
 ذواتنا وثلثین قاعده که دوازده از آن مجسمات
 و بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 ذواتنا وثلثین قاعده که دوازده از آن مجسمات
 و بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد

- بیان اول در مساحت سطح اسطوانه و قائده ۲۵۸
- بیان دوم در مساحت سطح مخروط ۲۶۰
- مطلب چه اوزم در مساحت سطح کره
- وضیوه و دران چهار بیان است ۲۶۱
- بیان اول در مساحت سطح کره و دران چهار طریق است ۲۶۱
- بیان دوم در مساحت سطح قطعه کره و دران پنج طریق است و بک قائده ۲۶۲
- بیان سوم در مساحت سطح کره که بعد جدا شدن در قطعه ناتواند ۲۶۳
- بیان چهارم در مساحت سطح ندسی ۲۶۴
- مطلب پنجم در مساحت اجسام اسطوانه و مخروط و کره و دران چند بیان است ۲۶۵
- بیان اول در مساحت جسم اسطوانه و دران سه طریق و چند قائده است ۲۶۶
- بیان دوم در مساحت جسم مخروط و دران دو طریق و چند قواعد است ۲۶۷
- بیان سوم در مساحت جسم کره و دران چهارده طریق است ۲۶۸
- بیان چهارم در مساحت جسم قطاع کره و تعیین کره ۲۶۹
- بیان پنجم در مساحت جسم قطعه کره ۲۷۰
- بیان ششم در مساحت فصل النعین و فصل المنحروط ۲۷۱
- مطلب ششم در مساحت اجسام ذوسطوح متساوی الاضلاع والزوايا ۲۷۲
- مساحت ذوزنقتین ۲۳۶
- قائده اولی متعلق ذوزنقتین ۲۳۷
- قائده ثانی در مساحت مخروطات ایضا
- قائده ثالث در طریق مساحت مخروطات .. ایضا
- بیان سیوم در مساحت کثیرالاضلاع ۲۳۸
- طریق عام ایضا
- قائده اول در مساحت متساوی الاضلاع مثل منمس و منس و فیه مع جدول .. ایضا
- قائده دوم در مساحت اشکال مزدوجه متساوی الزوايا ۲۳۹
- قائده سیوم در مساحت ذوزنقه ۲۴۰
- قائده در مساحت باقی جمیع اشکال کثیرالاضلاع ایضا
- مطلب دوم در مساحت سطوح مستدیره و دران هفت بیان است ... ایضا
- بیان اول در مساحت دائره و دران پنج طریق است مع بیان نسبت مساحت الی القطر بطریق صاحبی مفتاح و جمله اول آن ایضا
- بیان دوم در مساحت قطاع ۲۴۱
- بیان سوم در مساحت قطعه دائره ۲۴۲
- بیان چهارم در مساحت شکلی که شبیه بقطاع باشد ایضا
- بیان پنجم در مساحت اهلینجی و شلجی و هائی و نعلی ۲۴۳
- بیان ششم در مساحت حلقه محطه ایضا
- بیان هفتم در مساحت دیگر اشکال مسطحه ایضا
- مطلب سیوم در مساحت سطح اسطوانه و مخروط ۲۴۴

در مثلث متساوی ارتفاع باشد نسبت
 یکی بطرف دیگری مثل نسبت قائمه
 ۲۰۳ هر دو خواهند بود
 مسئله سی و پنجم هر مثلثین متساویین نسبت
 یکضلع مثلث بطرف ضلع دیگر او مثل
 نسبت یک ضلع مثلث دوم بطرف ضلع دیگر
 او خواهند بود و نسبت مثلث طرف
 مثلث مثل نسبت ضلعین نظیرین می باشد
 ۲۰۴ متداعا بالتکثیر
 مسئله سی و دوم حدیث سطوح متساویه و کثیر
 الاضلاع منقسم بمثلثات متساوی الضلع
 میشوند و نسبت یک سطح بطرف سطح
 دیگر مثل نسبت ضلعین نظیرین می باشد
 ۲۰۵ متداعا بالتکثیر
 مسئله سی و سوم سطوح متساوی الاضلاع که
 بر یک قطر سطح متساوی الاضلاع واقع شوند
 با یک دیگر بر با سطح اعظم متساوی می باشند
 ۲۰۶ مسئله سی و چهارم خارج کسین زاویه معروضه
 بر نقطه معروضه
 مسئله سی و پنجم طریق کشیدن عمود بر اضلاع
 مثلث لر روانا
 ۲۰۷ بالعامل
 ۲۰۸ بالحصاف
 طریق اول در عمود منطبق الاضلاع
 طریق دوم در حدیث مثلثات
 طریق سوم در جمیع مثلثات
 طریق چهارم منطبق قائم الزاویه
 طریق پنجم مخصوص مثلث حاد الزاویه ..

طریق ششم مخصوص مثلث متساوی الضلعین
 ۲۰۹ و متساوی الاضلاع
 طریق هفتم استخراج عمود از جیب زاویه ..
 ۲۱۰ بیان قواعد
 مسئله سی و هشتم در استخراج عمود در زاویه
 و در مثلثین
 مسئله سی و نهم در استخراج سهم قوس از
 و ترو نظر
 ۲۱۱ مسئله سی و دهم در دانستن وتر از قوس و محیط
 مسئله سی و یازدهم در استخراج قطر از محیط
 و محیط از قطر و بدان نسبت محیط الی القطر
 ۲۱۲ مسئله چهارم در استخراج وتر و جیب قوسها
 از قطر بطریق صاحب معصومی و در آن دو
 گفتار است
 ۲۱۳ گفتار اول در استخراج وتر از قطر مع برهان
 و بیان مقدار زاویه
 ۲۱۴ گفتار دوم در استخراج جیب و سهم قوسها
 و در آن سه بیان است
 ۲۱۵ بیان اول در جیب و سهم برهان
 ۲۱۶ بیان دوم در سهم
 بدان صدم در استخراج جیب زاویه و مقدار
 زاویه مع جدول جدول و طریق استخراج
 ۲۱۷ وتر از جدول جدول و مائده
 ۲۱۸ مسئله چهارم و پنجم در معرفت قوس از محیط
 دائرة و مقدار وتر
 ۲۱۹ مسئله چهارم و پنجم در دانستن مقدار ضلع
 مناس متساوی الاضلاع و مربع و مجسم
 و معدس و غیره که در دائرة واقع شوند و مقدار

مطلب دوازدهم در دانستن همق چاه

و جفرها ۳۰۲

مطلب سیزدهم در دانستن اشیب و فواز

زمین و دران چند طریق است و فوائد ۳۰۳

باب ششم در طریق استخراج صیغولات

بطریق اربعه متناسبه و دران مقدمه

سه مطلب است ۳۰۴

مقدمه در حقیقت اربعه متناسبه ایضا

مطلب اول در طریق تصرف سوالات

اربعه متناسبه ۳۰۷

مطلب ثانی در طریق تصرف سته متناسبه

مطلب سیوم در ثمانیه متناسبه و هشرة

متناسبه و اثنی عشره متناسبه

و بیان فرائد ۳۱۵

باب هفتم در استخراج صیغولات در عدل

بالعکس طریق عدل و بیان اصله ۳۱۸

باب هشتم در استخراج صیغولات

بنامه خطائین و دران چهار

طریق است مع برهان آن ۳۲۷

باب نهم در جبر و مقابله و دران مقدمه

و دو گوناگون است ۳۳۴

مقدمه در بیان مجمل حقیقتات جبر و مقابله ۳۳۵

تفاوت اول در جبر و مقابله بطریق اهل فارس

و هند و دران یک مقدمه و دران سه مطلب است ۳۳۵

مقدمه در تعریف جبر و مقابله و بیان

اصطلاحات آن ایضا

مطلب اول در تصحیف و تنصیف و دران

سه بیان است ۳۳۹

بیان اول در تصحیف و تنصیف صفر ایضا

بیان دوم در تصحیف و تنصیف اجناس رائده

و ناقصه ایضا

بیان سوم در تصحیف و تنصیف اسم الجذر ایضا

مطلب دوم در جمع و دران پنج

بیان است ۳۴۰

بیان اول در جمع مصر ایضا

بیان دوم در جمع اجناس رائده و ناقصه و آن

چهار نوع است ایضا

بیان سیوم در جمع جنری الجذریین و دران

سه طریق است ۳۴۱

بیان چهارم در جمع جنری الجذریین ۳۴۲

بیان پنجم در جمع کعبین ۳۴۳

مطلب سیوم در تعریف ایضا

بیان اول در تعریف مصر ایضا

بیان دوم در تعریف اجناس رائده و ناقصه و آن

چهار نوع است ۳۴۵

بیان سوم در تعریف جنری الجذریین و جنری

الجذریین و کعبین ۳۴۶

۲۳۶ در زاویه ازل مستویات و بیست مستویات باشند
 مسئله چهل و هفتم در استخراج نظر الصر و نظر اطول
 اشکال متساوی الاضلاع و الزاویه که بعضی از این
 نجیسا رسیده و بیان فوائد
 مطلب اول در مساحت سطوح
 ۲۳۹
 بیان اول در مساحت مثلثات
 مساحت قائم الزاویه
 طریق مساحت اول بوجه عام
 طریق دوم بوجه عام
 طریق سوم بوجه عام
 مائده اولی منتهی من اینکه طریق میوم از جمیع قواعد
 سواهی متماثل قائم الزاویه اهل و اعراب
 ۲۴۲
 مائده دوم در بیان برهان ثابته عمودیه
 مائده سوم در طریق مساحت مثلث متساوی
 الساقین و متساوی الاضلاع بوجه خاص
 بیان دوم در مساحت دوازده اضلاع
 طریق مساحت بوجه خاص
 مساحت مربع
 مساحت مستطیل
 مساحت معین
 مساحت اشکال کلی
 مساحت لوزی
 مساحت شبهه المثلثی و مساحت دی رحلمن
 مساحت شبهه بالمعین
 مساحت در رنقه
 ۲۴۶

۲۳۳
 کلیه بیوم در تقسیم مثلث متساوی الاضلاع به
 مثلث و یک معده
 کلیه بیوم در تقسیم مربع بچهار مثلث و یک
 مربع
 کلیه چهارم تقسیم مربع بچهار مثلث و یک
 مثلث
 کلیه پنجم تقسیم محسوس به پنج مثلث و یک
 محسوس
 کلیه ششم تقسیم محسوس به پنج مثلث و یک
 معص
 ضابطه اول در ترکیب ساحین دو ثابته قواعد
 که چهار از این مثلثات و چهار مستویات
 باشند
 ضابطه دوم در ساختن شکل دو اربعه صر
 قواعد که شش ازل مربعات و مست
 مثلثات باشند
 ضابطه سوم در ساختن شکل دوازده مستویات که
 شش ازل مستویات و هشت مثلثات باشند
 ضابطه چهارم در ساختن دو اتنی و ثلثین
 مائده که دوازده ازل محسوسات و مست
 مثلثات باشند
 ضابطه پنجم در ساختن دو اتنی و ثلثین قواعد که
 دوازده معصوف و بیست مثلثات باشند
 ضابطه ششم در ساختن دوازده مستویات و هشت
 مستویات و شش مربعات باشند
 ضابطه هفتم در ساختن دو اتنی و ثلثین قواعد که

مسئله اولی در تجلیس ۳۳۱
 مسئله ثانیه در تریج ۳۳۲
 مسئله ثالثه در استخراج صحیح معترك كصور ايضا
 مسئله رابعه در استخراج وفق بين الصورة
 والمخرج ۳۳۳
 مسئله خامسه در رجوع كورس نقل ايضا
 مسئله سادسه در جمع كصور ۳۳۴
 مسئله سابعه در تقریبی كصور ۳۳۶
 مسئله ثامنه در ضرب كصور و فوائد ايضا
 مسئله نابعه در لغت كصور ۳۳۷
 مطالب ششم در ساختن مضلعات كه
 آنرا انولپوشن گویند ۳۳۹
 قاعده اول ايضا
 قاعده دوم ايضا
 قاعده سوم سرابرك لیون ۳۴۰
 فوائد ۳۴۲
 مطلب هفتم در استخراج صلح اول
 مضلعات طلی و جه العالم كه آنرا
 ابول یوشن گویند ايضا
 بیان اول در بهر سایدن صلح اولی مقادیر
 معرده ۳۴۳
 بیان دوم در بهر سایدن صلح معرده در مضلعات
 مركبه ۳۴۴
 بیان سوم در بهر سایدن صلح اول مضلعات

بیان اول در طریق استخراج مسائل ثلثه مقتربات
 بوجه عام ۳۸۱
 بیان دوم در عمل مضروب كه آنرا كوتك گویند
 و در آن در طریق است ۳۸۲
 طریق اول بطور صاحب بوم گشت ايضا
 طریق دوم كه این ضعیف است بطا كوره ۳۸۴
 بیان سوم در استخراج مضروب جمع ۳۹۰
 بیان چهارم در عمل ضرب مجذور كه آنرا پر كوت
 گویند و فوائد ايضا
 بیان مسئله مقتریب فوائد مذكوره عمل مجذور
 كعبار دوم هر جبر مقاله بطریق حكماه مرنگ
 كه ار كتاب اشعرا تصنیف مستر جان
 دانی كمثل ترجمه كرده شد ۳۹۴
 مقدمه در بیان تعریف جبر و مقابله و اصطلاحات
 و علامات آن ايضا
 مطلب اول در جمع كه آنرا ایشن گویند ۳۹۶
 مطلب دوم در تعریف كه آنرا سوشرا كشن
 گویند ۳۹۷
 مطلب سوم در ضرب كه آنرا ماتیل كشن
 گویند ايضا
 مطلب چهارم در قسمت كه آنرا
 ابوشن گویند ۳۹۸
 مطلب پنجم در كسور كه آنرا فوا كشن
 گویند ۳۹۹

مطلب نهم در مساحت بعضی اجسام	۲۷۳	بیان اول در مساحت ذواتی که قواعد مثلثات
بالتوزن	۲۷۵	بیان دوم در مساحت جسم مکعب
یکی از روی حجم هر جسم اوزان معین ..	۲۷۶	بیان سوم در مساحت دو مثلثه قواعد مثلثات
هرم طریق وزن در آب	۲۷۷	بیان چهارم در مساحت ذواتی که قواعد
اسمعیات	۲۷۷	مثلثات
فائده در بیان نسبت اجسام فلزات مع جدول	۲۸۱	بیان پنجم در مساحت ذواتی که قواعد
مصل در بیان بعضی فواید	۲۸۱	مجمعات
فائده اول در بیان مقادیر اوزان مع جدول	۲۸۳	مطلب هفتم در مساحت اجسام ذواتی که
بیان اول در اوزان صغار	۲۸۳	بیان اول در مساحت جسم ذواتی که قواعد
بیان دوم در اوزان کبیر	۲۸۳	که چهار مثلثات و چهار مست سائت باشد
بیان سوم در مقادیر کبیر و پیمانه	۲۸۳	بیان دوم در مساحت ذواتی که قواعد که شش
جدول مقادیر اوزان که مساحت لیه و تی نوشته	۲۸۳	مربعات و هشت مثلثات باشند
و بیشتر در هند رواج دارد	۲۸۳	بیان سوم در مساحت ذواتی که قواعد که
فائده دوم در بیان جدول مقادیر مساحت	۲۸۶	شش مثلثات و هشت مثلثات باشد ..
و آلات آن	۲۸۶	بیان چهارم در مساحت ذواتی که قواعد
فائده سوم در بیان مقادیر مساحت پارچه	۲۸۷	که در آن دو مست و هشت مثلثات باشد
و غیره	۲۸۷	بیان پنجم در مساحت ذواتی که قواعد
جدول کیفیت مقدار مساحت درجات طولی	۲۸۸	که قواعد مست و هشت مثلثات باشد
مفاضله یک یک درجه	۲۹۱	بیان ششم در مساحت ذواتی که قواعد
مطلب دهم در دانستن ارتفاع مؤلفات	۲۹۱	هشت مست و هشت مست و هشت مست باشد
بیان اول در دریاست از انواع مرتفعی که ناموج	۲۹۱	بیان هفتم در مساحت ذواتی که قواعد
العمود آن میتوان رسید و آن چند طریق است	۲۹۱	که در آن دو مست و هشت مست باشد
بیان دوم در دریاست ارتفاع مرتفعات که ناموج	۲۹۲	بیان هشتم در فائده کلیه
البحر آن نمیتوان رسید و در آن نیز چند	۲۹۲	مطلب هشتم در مساحت ذواتی اجسام
طریق است	۲۹۹	که اشکال آنها منضبط نیستند و
مطلب یازدهم در دانستن عرض آنها	۳۰۱	طریق یکی بعد یکی در حوض آب

بیان سوم در طریق استخراج مذکور ۳۷۳ ..
 مطلب سیزدهم در معادلات مرکب
 مربعی که عبارت از مسائل
 مترنات است که آنرا
 کوادریک ایکویشن گویند مع فوائد ۳۷۶
 مطلب چهاردهم در استخراج
 معادلات بوجه عام که آنرا
 ایکویشن آنجنرل گویند ۳۸۴
 بیان اول در خاصه و حقیقت معادلات که آنرا
 فیگور گویند ایضا
 بیان دوم در مسائل لاین ۳۸۸
 مسئله اول در ریاضت و نقصان مختلر ضلع
 یک متقابله معلوم بقدر مقدار معلوم .. ایضا
 مسئله دوم در معادله گرفتن رقم در هر
 متقابله که خواهند ۳۹۰
 مسئله سوم در استخراج ضلعهای معادلات
 شرطیکه منطوق باشند ۳۹۲
 مسئله چهارم در استخراج ضلعهای معادلات
 بموجب ناعدده هر ایرک لیون ۳۹۳
 مسئله پنجم در استخراج ضلع اول معادله
 کعبی بطریق خاصه ۳۹۷
 مسئله ششم در استخراج ضلع معادله مائلمی
 بتاریق خاص ۴۰۰
 ناعدده منسوب بطرف لایفراری ایضا
 ناعدده منسوب بطرف دیگر تیس ۴۰۲

ناعدده چهارم در نسبت هندسی متوالیه که
 آنرا جنتری پوز گویند ۴۰۵
 ناعدده پنجم در لایفه متناسبه سطح وسطین
 معاری سطح اطرفین می باشد ... ایضا
 ناعدده ششم در لایفه متناسبه مستویه حاصل
 ضرب وسطین مقسوم بر واحد اطرفین
 معاری طرف آخر می باشد و همچنین
 بالعکس ایضا
 ناعدده هفتم در نسبت متوالیه هندسی حاصل
 ضرب طرفین معاری حاصل ضرب وسطین
 که بعد هر یکی از طرفین معاری باشد میشود ایضا
 ناعدده هشتم در نسبت متوالیه مقدار آخر
 معاری حاصل ضرب مقدار اول در مضاعف
 نسبت است که عدد ضرب آن از عدد
 مقدار بر واحد کم باشد ایضا
 ناعدده نهم در ریاضت مجموع ناعدده متوالیه
 هندسی ۴۰۹
 ناعدده دهم در بیان نسبت به وادال النصفه
 و ترکیب النسبه و غیره ایضا
 مطالب دوازدهم در معادلات معوده که
 آنرا سنبل ایکویشن گویند ۴۱۷
 بیان اول در طریق معلوم کردن مقدار مجهول
 معرک و میزان شعست ناعدده است ۴۲۸
 بیان دوم در طریق استخراج هر مجهول
 و یادگوشن مقادله معرک و میزان مع ناعدده است ۴۷۱

۳۶۶ مسئله اول اشیا و معادل اعداد باشند
 ۳۶۷ مسئله دوم اشیا و معادل اموال باشند
 مسئله سوم اموال معادل اعداد باشند
 بیان دوم در طریق استخراج مجهولات بمسائل
 ۳۶۸ مقرر نشد
 مسئله اولی اشیا و اموال معادل اعداد باشند
 مسئله ثانیه اشیا و معادل اموال و اعداد باشند
 مسئله ثالثه اموال معادل اشیا و اعداد باشند
 مطلب یازدهم در طریق استخراج
 معادلات غیر هتاهلی بوجه عام
 ۳۷۱ مقدمه
 بیان اول در مثال قسم دوم اعنی اعداد معادل
 ۳۷۳ جنس غیر اشیا بود
 بیان دوم در مثال قسم سوم اعنی جنسی غیر
 ۳۷۴ اعداد معادل جنسی بود
 بیان سوم در مثال قسم چهارم اعنی اعداد
 صرف معادل جنس یا اجناس بود
 بیان چهارم در مثال قسم پنجم اعنی اعداد
 مع جنسی یا اجناس معادل جنسی
 یا اجناس باشد
 بیان پنجم در مثال قسم ششم اعنی جنسی
 یا اجناس غیر اعداد معادل جنسی یا
 اجناس غیر اعداد بود در بیان نهم
 ۳۷۷ مطلب دوازدهم در بعض فواید که
 صاحب بیج گشت و خبره بیان ساخته
 ۳۸۱

مطلب چهارم در ضرب
 بیان اول در ضرب صفر
 بیان دوم در ضرب اجناس زائده و ناقصه
 بیان سوم در ضرب اعداد اجناس در یکدیگر
 ۳۴۸ و ضرب جذر الجذر و ضرب کعبین
 ۳۵۰ مطلب پنجم در قسمت
 بیان اول در قسمت صفر
 بیان دوم در قسمت اجناس زائده و ناقصه
 بیان سوم در قسمت اجناس و اجزای اجناس و کعبین
 ۳۵۴ بیان چهارم در قسمت کسور
 ۳۵۵ مطلب ششم در طریق ساختن مجذور
 و مضلعات اجناس
 ۳۵۷ بیان اول در صد در صد
 بیان دوم در صد در اجناس زائده و ناقصه
 بیان سوم در مضلعات اعداد
 ۳۵۹ بیان چهارم در ساختن مضلعات کسور
 ۳۶۰ مطلب هفتم در طریق استخراج صلح
 اول مضلعات
 ۳۶۱ مطلب هشتم در استخراج صلح
 اول مضلعات بوجه عام مع فوائد
 ۳۶۳ مطلب نهم در طریق تصرف در سوال
 ۳۶۶ مسائل بطریق اجمال
 مطلب دهم در استخراج مجهولات
 بمسائل سه جریده
 ۳۶۷ بیان اول در طریق استخراج مجهولات بمسائل معروضه
 ۳۸۱

مطلب در بیان سال و ماه و روز

۶۲۹ هفت بیان است

خان اول در حقیقت سال و ماه و روز و نام ماه‌های

عربی و فارسی و رومی و عجمی و هندی و نام

بروج و ارده گانه و تعداد ایام آنها و نام ایام

سهه و کواکب و سیارات و اوقات آنها مع تصحیح

لغات و جدول اول ایضا

بیان نوم در حقیقت سال عجمی و طریق روز کردن

سالها و تحویل سالها به ایام و دانستن منحل

سال و منحل ماه مع جدول رینال سنه هلمی ۶۳۳

بیان سیوم در حقیقت سال عجمی و رومی

۶۳۶ و طریق تحویل سالها به ایام

بیان چهارم در حقیقت تاریخ فارسی و اسامی

ایام و طریق تحویل سالها به ایام و نام روزها

۶۳۷ مع تصحیح لغات

بیان پنجم در حقیقت تاریخ هندی که آبرامیت

گویند و طریق تحویل سالهای آن به ایام و نام‌های

منازل عمر که آبرانچتر گویند مع تصحیح

لغات و اجزای سالهای ننگله و او و بده ... ۶۳۸

بیان ششم در تحویل یک تاریخ بتاریخ دیگر مع قواعد

و جدول فصل سالها از یک دیگر ۶۳۹

بیان هفتم در تاریخ جلموسی شاه شاهان هند

از ابتدای ظهور الدین محمد تا مرگ شاه

تا جلوس محمد اکبر و شاهان بصره شاه عالم

۶۴۰ یاد شاه

مطلب سیوم در مصطلحات کافیات

۶۴۱ فن سیاق و ترکیب مدیات

مطلب چهارم در مميزات اشیا که در فن

۶۴۲ سیاق معروف مشهور



مطلب نهم در بیان نسبت عددی
 ۳۶۲ که آنرا از ته متکمل برابرش گویند
 فائده اول اگر چهار مقدار در نسبت عددی
 باشند مجموع وسطین مساوی مجموع
 آخرین می باشد
 فائده دوم در نسبت عددی متوالیه کدمتقی
 عددی شود مجموع اول و آخر مساوی
 مجموع وسطین که بعد آنها را هر دو طرف
 نسبت تساوی داشته باشند میشود ...
 فائده سوم مجموع مقدار عند اخیر هر سلسله نسبت
 عددی مساوی مجموع مقدار اول و حاصل
 ضرب تعادل مشترک در عدد آن مقدار
 که واحد کم باشد میشود حواء سلسله
 معونی بود حواء فرولی
 فائده چهارم مجموع مقادیر متوالیه نسبت
 عددی مساوی حاصل ضرب مجموع عدد
 اول و آخر فی نصف العدد می باشد ...
 مطلب یازدهم در بیان نسبت عددی
 ۳۶۳ که آنرا جمیع یکا برابرش گویند
 فائده اول در اربعه متناسبه مقدار نسبت
 مقدار خارج المقصود معدم برتالی است
 فائده دوم در بیان نسبت مستویه که آنرا
 دیریکت برابرش گویند
 فائده سوم در نسبت معلول دو طرفه که
 آنرا ریبیر وکل برابرش گویند و آنرا
 برابرش گویند

۳۶۴ . یعنی وجه العام ...
 فائده اول در طریق استخراج ضلع اول مضلع
 مرکب
 فائده دوم که این کیفیت استنباط کرده
 مطلب هشتم در بیان اصم الجذر که
 آنرا سرک گویند
 مسئله اول در طریق نوشتن اسم الجذر
 مسئله دوم در طریق آوردن مقدار مختلفه
 المصارف نسبت نشان ضلع یک مضلع
 معین مشترک
 مسئله سوم در مجموع یافتن صوتن اسم الجذر
 مسئله چهارم در جمع مقادیر اسم الجذر
 مسئله پنجم در تعیین اسم الجذر
 مسئله ششم در ضروف اسم الجذر
 مسئله هفتم در نسبت اسم الجذر
 مسئله هشتم در ساختن مضلعات اسم الجذر
 مسئله نهم در استخراج ضلع اول اسم الجذر
 مطلب نهم در بیان سلسله غیر متناهی
 قسمت و جذر و غیره که آنرا
 انقنت سیوس گویند
 مسئله اول در فرود آوردن مقادیر ذوکسر
 در سلسله غیر متناهی
 مسئله دوم در فرود آوردن اسم الجذر مرکب
 در سلسله غیر متناهی
 مسئله سوم در فرود آوردن اسم الجذر مرکب از
 دو حرف در سلسله غیر متناهی بوجه خاص

مسئله هفتم در استخراج ضلع تقریبی مثلثه
 اهم توجه عام و در آن در طریق است ۵۰۴

مسئله هشتم در استخراج ضلع تقریبی مضلع
 مقرر در عدد ۵۰۷

مسئله نهم در استخراج ضلع تقریبی مضلع که
 عدد منزل از مساری ضلع اول باشد که
 آنرا یکس لولین تولید گویند ۵۰۸

پیان سیوم در استخراج مسائل که عدد متعده
 در جرات آن رافع شوند ۵۱۰

مسئله اول در استخراج دو مجهول که در یک
 معادله مع انداد معلوم واقع شوند بشرطیکه
 مضامین آنها در آن نباشد ایضا

مسئله دوم در استخراج مجهول مقرر بعد
 صحیح بشرطیکه مسائل مجهول را مقسوم
 بر اندامی چند بیان کرده باشد و آن
 عبارت از عمل مضروب است ۵۱۲

پیان چهارم در دریافتن معادله و آن عبارت از
 معادلات عمل مجهول است ۵۱۳

مطلب نازدهم در طریق جمع مقادیر
 سلسله‌های متوالیه که آنرا الترتیبین
 و سدیمین گویند ۵۱۴

مسئله اول در بهرسانیدن مقدار اقل تعاضل
 منتظم در بعضی سلسله معلوم ۵۱۶

مسئله دوم در بهرسانیدن مقدار اول نظم
 تعاضل سلسله معلوم ۵۱۷

مسئله سیوم در بهرسانیدن مقدار اخیروسلسله
 متوالیه معلوم ۵۲۸

مسئله چهارم در بهرسانیدن مجموع سلسله
 متوالیه ایضا

مسئله پنجم در بهرسانیدن کسور عدد منزل
 متوالیه و این قاعده متوالیه بر دانستن
 لوگاریتم هم است ۵۳۰

مسئله ششم در استخراج عددی که لوگاری
 هم آن معلوم باشد ۵۳۱

مطلب شانزدهم در لوگاریتم هم اعنی
 عدد منزل و کسور آن ۵۳۰

پیان حقیقتها و طریقی ضرب و تقسیم آن ایضا

مسئله در بهرسانیدن لوگاریتم هم بعضی
 انداد طبیعی ۵۳۴

مطلب هفدهم در حل سوالات طریقی
 جبر و مغایله انگریزیه
 تفصل حسین خان مرحوم بهر
 ترجمه کرده بودند ۵۴۶

مطلب هجدهم در حل سوالات هندسی
 که آراجه ترکیب الجبرا گویند ۵۷۹

باب دهم در قواعد فن سیاق و در آن
 چهاره طلب است ۶۲۵

مطلب اول در تعریف فن سیاق و بهر
 ارقام و کیفیت آن ایضا

و در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

در آنجا که می بینیم

